راز نماز

محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحیم

راز نماز (برای جوانان)

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راز نماز (برای جوانان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی محسن ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : راز نماز (برای جوانان) / مولف محسن قرائتی تدوین جواد محدثی.

وضعیت ویراست : [ویراست ۲].

مشخصات نشر : تهران مرکز فرهنگی درسهائی از قرآن ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ۱۰۸ص. ۹/۵ × ۲۰ س م.

شابک : ۲۵۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) ؛ ۴۰۰۰ ریال : چاپ دهم ۹۶۴-۵۶۵۲-۱۳-۸ : ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ یازدهم) ؛ ۵۰۰۰ ریال : چاپ دوازدهم ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۵۲-۱۳-۳ : ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم) ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ چهاردهم) ؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ پانزدهم)

یادداشت : چاپ دوم و سوم: ۱۳۸۲.

یادداشت : چاپ چهارم تابستان ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هشتم: پاییز ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ دهم: پاییز ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ یازدهم: بهار ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ دوازدهم و سیزدهم: ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ چهاردهم : زمستان ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ پانزدهم : پاییز ۱۳۸۸.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : نماز -- ادبیات نوجوانان

شناسه افزوده : محدثی جواد، ۱۳۳۱ - گردآورنده

شناسه افزوده : مرکز فرهنگی درسهائی از قرآن

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/ق ۴ر۲ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : [ج]۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۲۴۰۰۶

ص: ۱

۱- سخن ناشر

راز نماز » سخن ناشر

با تأسیس «مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» در سال ۷۵، تألیفات حجّت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی که به صورت پراکنده توسط ناشران محترم چاپ و منتشر می گردید، جهت تصحیح و تکمیل در اختیار این مرکز گذاشته شد و بحمداللَّه همه آنها خصوصاً مجلّدات اوّلیه «تفسیر نور» پس از بازبینی و ویراستاری در مسیر نشر قرار گرفت.

کتاب «راز نماز» نیز که بارها توسط ستاد اقامه نماز به چاپ رسیده است، (چاپ چهاردهم، به تعداد ۲۰۰/۰۰۰ نسخه بوده است) از این پس توسّط این مرکز منتشر می گردد.

امید که خوانندگان گرامی ما را از پیشنهادات و نظرات خود بهره مند نموده و مطالب خود را به نشانی:

تهران - صندوق پستی ۵۸۶ / ۱۴۱۸۵ ارسال نمایند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

بسم اللّه الرّحمن الرحیم

ای مهربان خدای

ای مهربان خدای:

گم گشت هام تو بودی و آردم چو دیده باز

دیدم به آسمان و زمین و به بام و در

تابنده نور توست

هر جا ظهور توست

دیدم به هیچ نقطه تهی نیست جای تو

خوش م یدرخشد از همه سو جلو ههای تو

ای مبدأ وجود!

از آثرت ظهور، نهان شد آه آیستی

از هر چه ظاهر است، تویی آشکارتر ... مستور نیستی

نزدیک تر ز من به منی، دور نیستی

تو آشکار های ... من زین میان گَمم

آور ار نبیند، این گنه آفتاب نیست

نقص از من است، ورنه رُخت را حجاب نیست.

ای مهربان خدای!

در قلب من تبی است گدازان و دردناک

احساس می آنم آه به آانون جانِ من

سوزنده آتشی است آه سر می آشد به اوج

احساس می آنم عطشی مست و بی قرار

اندر فضای هستی من می دود چو موج

این سوز عشق توست،

در من، چو جان نهان

احساس می آنم،

درمان نسازد این تبِ من جز دوای تو

زائل نسازد این عطش، الاّ لقای تو

ای مهربان خدای!

احساس می آنم خلائی در وجود خویش

آان را نم یبرد ز میان، جز پرستشت

ای نازنین خدای!

احساس می آنم آه بود در سرشتِ من

سوزنده، یک نیاز

داغ نیاز را نزداید ز سین هام

جز لذّت پرستش و جز نشئه وصال

مخموری مرا به جز این می، علاج نیست

مطلب عیان بود، به بیان احتیاج نیست

ای مهربان خدای!

تو، راز جان و مایه سرمستی منی

تو هستی منی

در عمق فکر و پرده جانم تویی، تویی

آرام دل، فروغ روانم تویی، تویی

هر جا نگاه م یدود، آنجا نشان توست

ص: ۲

(روشنگر وجود، رخِ دلستان توست.(سرود سحر حجت الاسلام بهجتی شفق، ص ۶۸

۲- نماز، عبادتی بزرگ

راز نماز » نماز، عبادتی بزرگ

شناخت معبود و آفریدگار، محبّت او را در دل ایجاد می کند و این محبّت، انسان را به پرستش و عبادت و اظهار کوچکی و تواضع در برابر عظمت او وا می دارد.

نماز، جلوه ای از بندگی انسان در پیشگاه خدا و مظهر عبودیّت و عبادت است. آنکه «بنده» آفریدگار است و این بندگی را احساس می کند و می داند و باور دارد، در برابر او، مطیع است و در پیشگاهش سر بر خاک می نهد و به سجده می افتد و با وی راز می گوید و نیاز می طلبد و آن خالق یگانه را که سر رشته دارِ اوست، به عظمت و پاکی می ستاید.

۳- چرا عبادت؟

راز نماز » چرا عبادت؟

فلسفه آفرینش انسان، بندگی و عبادت و عبودیّت است. این صریح کلام الهی در قرآن کریم است که می فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»(۱)

جن و انس را، جز برای پرستش و بندگی خود نیافریدم.

این حکمت و هدف والاـ سرلوحه همه رسولاـن الهی نیز بوده است. در قرآن می خوانیم: «وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِي كُلِّ اُمَّةٍ رَسُولاً اَنِ اعْبُدُوا اللّهَ وَاجْتَنِبُوا الطّاغُوت»(۲)

۴- ریشه های عبادت

در هرامّتی پیامبری برانگیختم که (به مردم بگویند:) بنده خدا باشید و از طاغوت بپرهیزید.

ناگفته نماند که این بندگی کردن، سودی به خدا نمی رساند بلکه مایه عزّت و سعادت خود انسان است وگرنه خداوند بی نیاز مطلق است:

من نکردم خلق تا سودی کنم

بلکه تا بر بندگان جودی کنم اگر معلّم به شاگردانش می گوید: درس بخوانید، نفع این درس خواندن به خود آنان بر می گردد و برای معلّم سودی ندارد.

۱- ۲) ذاریات، آیه ۵۶.

۲- ۳) نحل، آیه ۳۶.

۱. عظمت خدا

برخورد با یک شخصیت برجسته، انسان را به تواضع وا می دارد، دیدار با یک دانشمند بزرگ، آدمی را به تکریم و احترام وا می دارد، چون که انسان در برابر عظمت و دانش آن شخصیت و این دانشمند، خود را کوچک و کم سواد می بیند. خداوند، مبدأ همه عظمت ها و جلال هاست. شناخت خدا به عظمت وبزرگی، انسان ناتوان وحقیر را به کُرنش وتعظیم در برابر او وامی دارد.

۲. احساس نیاز و وابستگی

انسان، عاجز، نیازمند و ناتوان است و خداوند، در اوج بی نیازی و غنای مطلق، و سر رشته دار امور انسان هاست. این هم عاملی است، تا انسان در برابر خداوند «بندگی» کند.

۳. سپاس نعمت

توجه به نعمت های بی حساب و فراوانی که از هر سو و در هر زمینه ما را احاطه کرده، قوی ترین انگیزه را برای پرستش پروردگار ایجاد می کند. نعمت هایی که حتّی پیش از تولّد شروع می شود و در طول زندگی همراه ماست و در آخرت هم (اگر شایستگی داشته باشیم) از آن بهره مند خواهیم شد. قرآن به این نکته اشاره کرده و به مردم زمان پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید:

«فَلْيَعْبُدُواْ رَبَّ هَـٰذَا الْبَيْتِ الَّذِى أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْف»(۱) باید خدای کعبه را عبادت کنند، خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس، ایمن ساخت.

۴. فطرت

در سرشت انسان، پرستش و نیایش وجود دارد. اگر به معبود حقیقی دست یافت، که کمال مطلوب همین است، و اگر به انحراف و بیراهه دچار شد، به پرستش معبودهای بدلی و باطل می پردازد. بت پرستی، ماه و خورشید پرستی، گوساله و گاو پرستی، نمونه هایی انحرافی است که وجود دارد، کسانی هم پول و مقام و همسر و ماشین و مدال و ... را می پرستند.

انبیا آمده اند تا فطرت را در مسیر حق، هدایت کنند و انسان را از عبادت های عوضی نجات بخشند. حضرت علی علیه السلام در مورد بعثت رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

«فَبَعَثَ اللّهُ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ لِيُخرِجَ عِبادَهُ مِنْ عِبادَةِ الاوثانِ اِلى عِبادَتِهِ ...»(۵) خداوند حضرت محمّد صلی الله علیه وآله را برانگیخت، تا بندگانش را از «بت پرستی» به «خدا پرستی» دعوت کند.

روحِ عبادت در فطرت انسان نهفته است و اگر درست رهبری نشود به عبادت بت و طاغوت می گراید. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، کودک خاک می خورد و لذّت هم می برد. بدون هدایت صحیحِ این گرایش

فطری نیز، انسان به عشق های زودگذر پوچ یا پرستش های بی محتوای انحرافی دچار می شود.

(۲)

ص: ۴

۱- ۴) قریش، آیه ۳ - ۵.

۲- ۵) نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۵- چگونه عبادت کنیم؟

راز نماز » چگونه عبادت کنیم؟

مگر نه اینکه نشانی هر خانه را باید از صاحب خانه گرفت؟ و مگر نه اینکه در هر ضیافت و مهمانی، باید نظر میزبان را مراعات کرد؟

عبادت، حضور در برابر آفریدگار است و نشستن بر سر مائده های معنوی که او برای «بندگان» خود فراهم کرده است.

پس، چگونگی عبادت را هم از او باید فراگرفت و به دستور او عمل کرد و دید که او چه چیز را عبادت دانسته و عبادت را به چه صورت از ما طلبیده است؟

غیر از شکل ظاهری عبادات، به خصوص نماز که بیشتر در چگونگی آن سخن خواهیم گفت، محتوای عبادت را باید از دید اولیای دین و متن مکتب شناخت و به کار بست.

بهترین عبادت ها آن است که:

۱. آگاهانه باشد.

دو رکعت نمازِ انسان آگاه و دانا، از هفتاد رکعت نماز شخص نادان برتر است. و عبادت کننده ناآگاه، همچون الاغ آسیاب است که می چرخد ولی پیش نمی رود.(۶)

امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می گوید، گناهانش بخشیده می شود.(۷) در این صورت است که نماز، معراج روح می شود و عامل بازدارنده از فساد و موجب قرب به خدا می گردد.

۲. عاشقانه باشد.

آنچه موجب نشاطروح در عبادت می شود وعابداز پرستش خود لذّت می برد، عشق به اللّه و شوق به گفت وگوی با اوست.

عبادت هایی بی روح و از روی کسالت و سستی و خمودی، نشانه نداشتن شور و شوق نیایش و نجوا با پروردگار است. در دعا می خوانیم: «... وَ اجْعَلْ نِشاطِی فی عِبادَتِکَ»(۸)

خداوندا! نشاط مرا در عبادت خودت قرار بده.

آنان که از عبادت لذّت نمی برند، همچون بیمارانی هستند که از غذای لذیذ، لذّت نمی برند.

اگر این شوق وعشق باشد، دیگر چندان نیازی به تبلیغ، تشویق و تحریک از بیرون نیست، بلکه انگیزه درونی انسان را به عبادت وامی دارد و آنگونه که برای دیدار شخصیت معروف ومحبوبی، لحظه شماری می کنیم واز آن دیدار، مسرور می

شویم، از عبادت هم به وجد و نشاط می آییم.

برای عاشـقان، شـنیدن صدای «اذان» اعلام فرا رسیدن لحظه دیدار است. پیامبر اسلام به بلال می فرمود: «اَرِحْنا یا بلال»(۹) ای بلال! ما را از غم و تلخی نجات بخش. این شوق زاید والوصف آن حضرت را به نماز می رساند.

۳. خالصانه باشد.

هیـچ چیز همچون «ریـا» و خودنمایی و مردم فریبی، آفت عبادت نیست. از طرف دیگر، هیـچ چیز چون خلوص، ارزش آفرین عبادت و نماز نیست. البتّه داشـتن اخلاص در عبادت بسیار دشوار است، و دل و جان را از تهاجم وسوسه های ابلیسی رهاندن، رنجی بزرگ دارد و همتی بلنـد و اراده ای نیرومنـد می طلبـد. عبـادت تـا خـالص نباشـد، در درگاه الهی پـذیرفته نیست و تنها پیشانی بر زمین سودن و قرائت صحیح داشتن و در صف اوّل جماعت

ایسـتادن و ... ملاک نیست. باید نماز و بندگی از رنگِ ریا پاک و به رنگِ الهی «صبغهاللّه»(۱۰) آراسته باشد تا به خدا برسد. تعبیر قرآن چنین است:

«وَمَآ أُمِرُواْ إِلَّا لِيَعْبُدُواْ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»(۱۱)

هیچ دستور عبادی برای مردم نیامده مگر آنکه امر به اخلاص در آن شده است.

۴. خاشعانه باشد.

خشوع، حـالت قلبی انسـان در عبـادت و نتیجه توجّه کامل به مقام بنـدگی در آسـتانِ الهی است. آنکه نیاز و عجز خود را می دانـد و عظمت و کمال الهی را می شـناسد و در عبادت، خود را در برابر آن خـدای بی همتا و آگاه می یابد. حالتی متناسب با این «حضور» پیـدا می کنـد، در این حالت قلب، خاشع می شود، نگاه افتاده می گردد و توجّه از هر چیز دیگر بریده و به معبود متوجّه می شود.

قرآن در توصیف مؤمنان و عبادت شان می فرماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَشِعُونَ»(۱۲) در نمازشان خاشع اند.

این حالت، محصول آن توجّه است، در حدیث می خوانیم: «اُعبُدِ اللّهَ کَأَنَّکَ تَراهُ»(۱۳) خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی. «فَصَلِّها لِوَقتِها صَلاهَ مُوَدِّعٍ»(۱۴)

چنـان نمـاز را در وقت خودش بخوان که گویا آخرین نماز است. یعنی همواره این حالت را داشـتن که گویا فقط برای همین یک نماز، فرصت باقی است.

۵ . مخفیانه باشد.

رسول خـدا صـلی الله علیه وآله فرمود: «اَعظَم العباده اَجراً اَخفاها»(۱۵) پاداش عبادتی بیشتر وبزرگتر است که مخفی تر باشـد. این برای آن است که عبادت (به خصوص عبادت های مستحب) در حضور جمع، زمینه بیشتری برای تظاهر وریا دارد.

البتّه این در مواردی است که اسلام، خود امر به عبادت آشکار نکرده باشد، همچون نمازجماعت در مسجد که از نماز فرادی در خانه برتر است.

شیطان، دشمن رستگاری انسان است و سوگند خورده است که همواره در راه انسان، چاه گمراهی بکند و پرتگاه گناه پدید آورد و انسان را مانند خودش جهنّمی کند. از این رو، برای تباه ساختن عمل انسان، دام می گسترد و عبادت او را فاسد می کند. یا از راه ریا و خراب کردن نیّت. یا پدید آوردن عُجب و خودپسندی به خاطر عبادت. یا از طریق سلب توفیق از انسان. و ... یا از راه کشاندن به گناه، که موجب تباه شدن و هدر رفتن

زحمت انسان در طریق بندگی می شود.

همچون کشاورزی که محصول زحمت های طاقت فرسایش، با جرقه ای می سوزد و دود می شود، و یا جامی از آب زلال که با افتادن حشره یا ریختن خاک در آن، آلوده می شود.

ص: ۷

گرچه بلوغ، شرط تکلیف است، ولی پیش از رسیدن به سنّ تکلیف، هم نوجوانان وظیفه دارند با عادت دادن خود به انجام وظایف و دوری از گناهان، آماده ورود به مرحله تکلیف شوند، و هم اولیای آنان موظّف اند به نحوی آنان را تربیت کنند و به نماز و عبادت و پرهیز از معاصی عادت دهند که هنگام تکلیف، مشکلی از نظر شناخت وظیفه و آگاهی به مسائل و مبانی دینی و اجرای دستورات الهی نداشته باشند.

۲. قدرت

تکلیف، تابع توان است. خدای دادگر، از هیچ کس عملی فوق طاقت او نخواسته است و اگر کسی نسبت به انجام کاری ناتوان باشد، تکلیفی هم ندارد. خداوند در قرآن می فرماید:

«لَا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلّا وُسْعَهَا»(۱)

۶- عبادت، در ترازوی سنجش

راز نماز » عبادت، در ترازوی سنجش

گفتیم: عبادت، یعنی بندگی و پرستش، اطاعت امر خدا و انجام تکلیف الهی، خواستِ خود را فدای خواسته پروردگار کردن و گردن نهادن به احکام شرع.

آنچه به عنوانِ تکلیف و عبادت انجام می شود، به لحاظ نیّت و محتوا و کیفیّت انجام و خصوصیات فردی هر کس، مراحل و مراتبی می یابد.

گاهی عمل عبادی، تنها مرتبه صحّت و درستی را از نظر رعایت شرایط دارد، گاهی به مرتبه قبول می رسد، و گاهی هم صفت کمال می یابد. پس برای عبادات، شرایط زیر مطرح است:

۷- شرایط صحّت عبادت

خداوند هیچ کس را جز در حدّ توان او تکلیف نمی کند.

۳. اختیار

شرط دیگر تکلیف، اختیار است. اگر فشار و اجبار، مانع انجام وظیفه شد، در شرایط اضطرار و ناچاری، انسان مکلّف نیست و ترک تکلیف هم کیفر ندارد، مثل آنکه حکومتی طاغوتی مانع رفتن انسان به حج شود، یا ظالمی انسان را به زور، وادار به خوردن روزه کند.

۴. عقل

عقل، وجه برتری انسان بر حیوان و شرط تکلیف و پشتوانه معرفت و عمل اوست. کیفر و پاداش انسان نیز بستگی به آن دارد. کسی که دیوانه و سفیه باشد، از محدوده تکالیف بیرون است. بنا به اهمّیت این گوهر پربها در وجود انسان و زندگی او، خداوند هر چه را که به عقل و کارآیی آن لطمه بزند حرام ساخته، مانند شراب، و به آنچه موجب کمال و شکوفایی آن شود، دستور داده است، همچون دانش آموختن، مشورت کردن، مسافرت و کسب

تجربه و ...

۱- ۱۷) بقره، آیه ۲۸۶.

هدفِ درست و شکلِ صحیح عبادت، دو عامل مهمّ در صحّت آن است. یعنی هم مقصود از عبادت، باید رضای خدا و قصد قربت و انجام فرمان الهی باشد، نه جلب نظر مردم و ریا و خودنمایی، و هم صورت ظاهری آن، طبق دستور باشد، حتّی در جزئیات آن.

عمل خالص و نیّت خدایی در عبادات، آن است که چشمداشت تمجید و تشکّر از مردم نداشته باشیم، برای خدا کار کنیم و اجر خود را در بندگی و طاعت، از او بخواهیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَالعَمَلُ الخالِصُ الَّذی لا تُریدُ اَنْ تَحمِدَکَ عَلَیْهِ اَحَدٌ اِلاّ اللّهُ»(۱۸)

عمل خالص عملی است که در انجامش، جز از خدا، از احدی انتظار سپاس وستایش نداشته باشی.

عامل دیگر صحّت عبادت به شکل آن مربوط است، یعنی عمل، طبق آنچه گفته اند و مطابق دستور شرع باشد، نه بر اساس ذوق و سلیقه شخصی یا مد روز یا پسند مردم. اینکه مثلاً نماز را چگونه باید خواند، کجا آهسته و کجا بلند، کجا نشسته و کجا ایستاده، کجا چهار رکعت و کجا دو رکعت، و ... همه طبق دستور باشد، گرچه همه عبادت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

«لا ـ قَوْلٌ وَ لا ـ عَمَلٌ و لا نیّةٌ اِلاّ بِاِصابَةِ السُّنَةِ»(۱۹) هیچ ارزشی برای گفته ها و عمل ها نیست، مگر آنجا که به سنّت برسیم و متعبّد باشیم و طبق دستور، عمل کنیم.

اگر به شما بگویند در صد قدمی گنجی است که می توانید استخراج و تصاحب کنید، اگر ۹۸ قدم یا ۱۰۲ قدم بروید و حفر کنید، به گنج دست نخواهید یافت و رنج بیهوده کشیده اند.

در گرفتن شماره تلفن، یک شماره کم و زیاد، تماس را با خانه یا اداره دیگری بر قرار می کند و کلید، اگر یک دندانه کم یا زیاد یا جابجا ساخته شود، قفل را نخواهد گشود.

امّا کسانی از روی انحراف، در شک عبادت خدا تغییراتی می دهند. این تغییر دادن ها گاهی از روی لجاجت است، گاهی روشنفکر مآبی علّت آن است، گاهی مقدّس مآبی و کلاه شرعی سبب آن می شود و گاهی جهالت و نادانی یا عوامل دیگر.

«تعبّد» آن است که حتّی در شکل عمل هم، آنگونه که دستور دین است، بی کم و کاست، عمل کنیم تا به مفهوم صحیح، «بندگی» کرده باشیم.

ص: ۱۰

«مَنْ دانَ اللّهَ بِعِبادَهٍ یَجْهَدُ فیها نَفْسَهُ وَ لاـ اِمامَ لَهُ مِنَ اللّهِ فَسَعْیُهُ غَیْرُ مَقْبُولٍ»(۲۲) کسی که ایمان به خدا دارد و عبادت های جانفرسا هم انجام می دهد، ولی امام شایسته ای از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده و نپذیرفته است.

در حدیثی دیگر می خوانیم:

«مَنْ لَمْ یَتَوَلَّنا لَمْ یَرْفَعِ اللّهُ لَهُ عَمَلاً»(۲۳)

هر که ولایت ما را نپذیرد و به رهبری ما گردن ننهد، خدا عملی را از او بالا نمی برد.

۳. در بُعد اخلاقی، «تقوا»

بندگی خدا با شرط تقوا و ترک گناه، قبول می شود. قرآن پس از ذکر داستان هابیل و قابیل، که هر دو به درگاه خداوند قربانی کردند و قربانی یکی پذیرفته و دیگری ردّ شد، می فرماید: «إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ»(۲۴)

خداوند، تنها از اهل تقوا، «قبول» می کند.

آنکه دزدی کند و مال دیگران را انفاق کند، مقبول نیست. آنکه حق مردم را بخورد وبه نماز بایستد، نمازش مردود است.

آنکه نماز را ترک کند ولی جهاد نماید، یا به دیگران ستم کند و نماز بخواند، یا به دیگری تهمت بزنند و غیبت کند و به زیارت هم برود، یا چشم ناپاک به نوامیس مسلمین داشته باشد و نماز شب هم بخواند، آن نماز و جهاد، و این زیارت و نافله را خدا نمی پذیرد، چون همراه با تقوا نیست و بدون تقوا هیچ عملی برای انسان، عمل خیر به حساب نمی آید.

۴. در بُعد اقتصادی، «رسیدگی به محرومین»

نیازمندان و فقیران، بندگان خدایند. آن عبادت و بندگی که همراه با رسیدگی به وضع بندگان ناتوان و محروم خدا نباشد، بی ارزش است. در آیات و روایات، موضوع «نماز» و «زکات»، معمولاً در کنار هم آمده است که یکی ارتباط با خداست و دیگری ارتباط با خلق خدا.

از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود:

«مَنْ صَلّی وَ لَمْ یُزَکِّ لَمْ تُقْبَلْ صَلوتُهُ»(۲۵) نماز افرادی که زکات ندهند، پذیرفته نیست.

آری نپرداختن حقوق واجب محرومین، اموال انسان را آمیخته به حرام می کند و زندگی از مسیر الهی بیرون می رود.

۵ . در بُعد اجتماعی، «خوش رفتاری»

اساس جامعه اسلامی بر اخوّت و صفا و برادری میان مسلمانان است. هر چه که این روابط را به هم بزند و وحدت را بشکند و حرمت افراد را زیر پا بگذارد، چنان ناپسند است که قبول عبادت را هم

بـا مشـکل مواجه می سـازد. غیبت و بهتان باشـد، یا تفرقه انگیزی و نمّامی، سوء خلق و بـدرفتاری باشـد، یا مردم آزاری و قطع رحم.

بر عکس، صـله رحم، حسن خلق، مودّت با مردم و حسن نیّت با دیگران، موجب رضای خدا و قبول اعمال است. در این زمینه ها حدیث بسیار است. به این روایت توجّه کنید.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس مسلمانی را غیبت کند، تا چهل روز، نماز و روزه اش قبول نمی شود، مگر اینکه غیبت شده او را ببخشد.(۲۶)

رسول خدا صلی الله علیه وآله به ابوذر فرمود:

از هجران و قهر کردن با برادر دینی بپرهیز، چرا که با این ترک رابطه، عمل قبول نمی شود.(۲۷)

و امام صادق علیه السلام فرمود:

بد اخلاقی و بدرفتاری عمل را تباه می کند، آن گونه که سرکه عسل را.(۲۸)

۶. در بُعد خانوادگی، «رعایت حقوق»

والـدین و فرزندان نسبت به هم حقوق متقابل دارند و کسانی که این حقوق را مراعات نکنند، خدا نماز و کارهای نیک آنها را نمی پذیرد.(۲۹)

به روایت امام صادق علیه السلام : «مَنْ نَظَرَ اِلی اَبَویْهِ نَظَرَ ماقِتٍ وَ هُما ظالِمانِ لَهُ. لَمْ یَقْبَلِ اللّهُ لهُ صَلاةً»(۳۰)

فرزنـدی که از روی خشم به پـدر و مادر خود نگاه کنـد - هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشـند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.

آری پیوند با خدا در صورتی مفید است که پیوند خانوادگی، با رعایت حقوق و وظایف متقابل میان افراد، مراعات شود.

نمـاز، معراج روح و نردبان معنّویت است. در صورتی می توان از این نزدبان عروج کرد که پایه اش لغزان نباشـد. پایه اسـتوار ارتباط با خدا، روابط صحیح میان افراد خانواده است.

نشانه قبولی عبادت

با این همه شـرایطی که برای قبولی عبادت و نماز است، بایـد مراقب بود نماز بی فایده و پرسـتش بی خاصـیت نداشـته باشـیم. صِرف انجام تکلیف، کافی نیست، باید چنان انجام وظیفه کرد، که صاحب فرمان که خداوند است، بپذیرد.

علی علیه السلام می فرماید: «کُونُوا عَلی قَبُولِ الْعَمَلِ اَشدَّ عنایتاً مِنْکَمْ عَلَی الْعَمَلِ»(۳۱) بیشترین توجه شما، به قبولی عمل باشد، نه اصل عمل!

با این حساب، از کجا می توان فهمید که طاعتمان را خدا پذیرفته است؟

امام صادق علیه السلام نشانه آن را چنین بیان می کند:

«مَنْ اَحبَ اَنْ یَعْلَمَ اَقُبِلَتْ صَلوتُهُ اَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْیَنْظرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلوتُهُ عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْکَرِ؟ فَبِقَدْرِ ما مَنَعَتْهُ قُبِلتْ مِنْهُ»(۱)

۸- شرایط کمال عبادت

راز نماز » شرایط کمال عبادت

غیر از شرط صحّت و شرایط قبول، شرایطی هم برای کمال عبادت است. یعنی اگر این شرایط باشد، عمل عبادی ارزشی فوق العاده و کمالی بالاتر خواهد داشت. عبادات واعمالی که شرایط زیر را داشته باشد، برتر وکامل تر است:

۱. مشکل تر بودن

در عبادت، باید دشواری آن را تحمل کرد و بر سستی و تن پروری غلبه یافت و به پرستشی عاشقانه و پیوسته پرداخت. علی علیه السلام فرموده است: «اَفْضَلُ الاَعْمالِ ما اَکْرَهْتَ نَفسَکَ عَلَیهِ»(۳۳) بهترین کارها، عملی است که خود را (علی رغم عدم پذیرش نفس) بر آن وادار کنی.

آنکه در لحظات سخت، از رسول خدا حمایت ویاری کند.

آنکه با پای پیاده به سفر حج و زیارت برود.

آنکه با جان و مال، در راه خدا مبارزه کند.

آنکه در راه دین، سختی بیشتری تحمّل کند، از فضیلت بیشتری برخوردار است.

۲. نظم و تداوم

عبادت اگر برنامه های دائمی ومنظّم داشته باشد، بهتراست. در روایات آمده است که مؤمن، اوقات وکارهای خود را تقسیم می کند وبخشی را برای عبادت ومناجات با خدا قرار می دهد.

۳. مهم تر بودن

در کارها باید اهمّ و مهمّ کرد و کارهای «مهمّ» را فدای کارهای «مهم تر» نمود.

وقتی بستگان انسان نیازمند هستند، چرا صدقه به دیگران؟

وقتی کارهای مستحب، به واجبات انسان ضرر بزنند، چه نیازی به انجام آن ها؟

وقتی کاری، نفع عام تری دارد، چرا پرداختن به اموری که خیرش محدود و موقّت است؟

علی علیه السلام می فرماید:

هر که می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، ببیند آیا نمازش، او را از گناه و زشتی بازداشته است؟ به هر مقدار که نمازش، مانع گناه و منکر شود، نمازش قبول شده است.

ص: ۱۳

۱- ۳۲) بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

«لا قُرْبَهَ بَالنَّوافِلِ اِذا اَضَرَّتْ بِالْفَرائِضِ»(۱) هرگاه نمازهای مستحب، به نمازهای واجب ضرر برساند، دیگر آن نافله ها موجب قرب به خدا نخواهد شد.

۴. برکت داشتن

گاهی کمال یک عمل، در برکت داشتن آن است، یعنی کاری باشد که خیر و سود آن، جاودان و گسترده و باقی باشد، نه موقّت و گذرا.

۵ . سبقت گرفتن

در کارهای نیک، پیشتاز بودن و شتاب به سوی صالحات و خیرات، امتیازات ویژه ای دارد.

پیوستن به اسلام در آغاز امر، برتر از مسلمان شدن در روزگار غلبه و قدرت مسلمین است.(۲) به سوی نماز اوّل وقت باید شتافت. در کارهای خداپسند باید پیشقدم بود. تأکید بر «سارعوا»(۳) و «سابقوا»(۴)، در قرآن و حدیث نشان آن است که سرعت و سبقت در عبادت مایه کمال عبادت است.

۶. نشاط و دوام

منافقان، نماز را با کسالت و بی نشاط می خوانند.(۵)

اهل شک، در عبادت شان دچار تردید و سستی می شوند.

عبادتی کامل تر است که همراه با نشاط، و برخوردار از استمرار و پیوستگی باشد. عملِ اندک و با دوام، برتر از کار زیادی است که انسان از آن ملول و خسته شود و دست بکشد.

خداوند، در توصیف عبادت فرشتگان فرموده است: شبانه روز، بدون خستگی، خدا را تسبیح می گویند.(۶)

۷. بصیرت و یقین

عملی که از روی بینش عمیق و آگاهی و یقین باشد، به مراتب برتر از کارهای سطحی و عبادت های تهی از یقین است. در حدیث می خوانیم:

«اِنَّ الْعَمَلَ الدّائِمَ الْقَلیلَ عَلَی الْیَقینِ، اَفْضَلُ عِنْدَاللّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْکَثیرِ عَلی غَیْرِ یَقینٍ»(۴۰)

عمل اندک ولی پیوسته و مداومی که همراه یقین باشد، نزد خدا برتر از عمل بسیاری است که فاقد بصیرت ویقین باشد.

شرایط دیگری برای کمال عبادت وجود دارد که در این مختصر از آن ها می گذریم ...

(۷)

۱- ۳۴) الحیاه، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲- ۳۵) حدید، آیه ۱۰.

۳- ۳۶) آل عمران، آیه ۱۳۳.

۴- ۳۷) حدید، آیه ۲۱.

۵- ۳۸) نساء، آیه ۱۴۲.

۶- ۳۹) انبیاء، آیه ۲۰.

۷- ۴۰) کافی، ج ۱، ص ۵۷.

۹- سیمای نماز

راز نماز » سیمای نماز

تاکنون آنچه خواندید، به «عبادت» مربوط می شد.

البتّه عبادت، عنوان عامی است که نمونه ها و مصداق های فراوانی را در بر می گیرد و تنها در «نماز» خلاصه نمی شود. حج، روزه، امر بمعروف و نهی از منکر، جهاد، طلب روزی حلال، خدمت به همنوعان، درس خواندن و درس گفتن، عزاداری بر شهیدان کربلا، نیکی به پدر و مادر، یتیم نوازی، پرداخت خمس و زکات و ... همه و همه عبادت است. (البتّه به شرط خدایی بودن نیّت)

ولی در میان اعمال عبادی، «نماز» برجستگی و درخشندگی خاصی دارد و جلوه درخشان عبادت و پرستش خدا به حساب می آید. اوصاف نماز، فلسفه و حکمتش، فایده و آثارش، شرایط و آدابش، مکان و زمانش در آیات و روایات بسیاری آمده که پرداختن به آن ها طولانی خواهد شد. امّا سعی می کنیم بر اساس قرآن و حدیث، قطره ای از دریای معارف اسلامی درباره نماز را بازگوییم.

نماز، بزرگ ترین عبادت و مهم ترین سفارش همه انبیاست.

لقمان، پسرش را به نماز توصیه می کند.(۴۱)

حضرت عیسی در گهواره می گوید: خدایم مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.(۴۲)

رسول خدا صلی الله علیه وآله نماز را نور چشم خود می داند. «قُرَّةُ عَیْنی فِی الصَّلاةِ»(۴۳)

نماز، فریضه ای است که خدا را به یاد انسان می آورد.(۴۴) و پیمان خدا با مردم است.(۴۵)

نماز، سیمای مکتب است. «اَلصَّلوةُ وَجْهُ دینکُمْ»(۴۶)

نماز، دوای تکبر است. «وَ الصَّلاةَ تَنْزِیهاً عَنِ الْکِبْرِ»(۴۷)

نماز، وسیله تشکّر و سپاس از نعمت های الهی است، عمود و پایه دین، کلید بهشت، وسیله آزمایش و شناخت مردم و محو کننده گناهان، و پاک کننده دل و جان آدمی است.

روزی پنج نوبت، با حفظ شرایط کامل نماز، در پیشگاه خدا ایستادن و نعمت های او را یاد کردن و از او حاجت و نیاز خواستن، همچون شست و شو در نهر آبی است که آلودگی ها را می زداید.(۴۸)

نماز، اوّلین سؤال در قیامت است، که اگر پذیرفته نشود، کارهای دیگر هم مقبول نیست.

نماز، تنها عبادتی است که در هیچ حال از انسان ساقط نمی شود حتّی در میدان جنگ ودر شرایط اضطرار، بیماری و...

نماز، اعلام بندگی در برابر خدا و زیر بار نرفتن در مقابل طاغوت ها و ستمگران است.

نماز، زنده نگه داشتن آیین توحیدی حضرت ابراهیم، و سنّت رسول اللّه ومکتب حسین بن علی علیهما السلام است.

نماز، برای عاشقان خدا، شیرین ولی برای منافقان، تلخ و سنگین است: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَشِعِينَ»(۴۹)

نماز، کوبنده شیطان و مأیوس کننده اوست. حضور در برابر آفریدگار است.

نماز هماهنگی با همه ذرّات عالم است. جهان، محراب وسیعی است که همه کائنات، در آن به تسبیح و سجود در برابر خدا مشغول اند. به نماز ایستادن، همراهی با همه آفریده ها و فرشتگان در پرستش و ذکر پروردگار است.

در اهمیت نماز، همین بس که علی علیه السلام در میدان نبرد صفّین، و امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا دست از جنگ کشیدند و به عشق الهی، به نماز ایستادند. شخصی به حضرت علی علیه السلام ایراد گرفت، امام فرمود: ما برای همین می جنگیم تا مردم، اهل نماز باشند. به سید الشهدا، در زیارتنامه اش خطاب می کنیم: گواهی می دهم که تو نماز را بر پا داشتی. «اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ ...»

در مشکلات و اضطراب ها، یاد خدای بزرگ و استمداد از او، آرام بخش دل ها و راه گشای انسان در سختی هاست و تکیه گاهی است که مؤمنان به خدا دارند. از این رو قرآن دستور می دهد که به وسیله «صبر» و «نماز» از خداوند یاری بطلبید.

«وَاسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَو ةِ»(۵۰)

امام صادق علیه السلام در واپسین دم زندگی خویش، همه بستگان را جمع کرد و در وصیت خویش به آنان، اهمیت نماز را یادآور شد و فرمود:

هر که نماز را سبک بشمارد، از شفاعتِ ما محروم است.

مرز میان اسلام و کفر، ترک عمدی نماز است. چگونه مسلمانی است آنکه رابطه خود با خدا را بریده و از نماز روی برتافته است.

رسول خدا فرمود: «مَنْ تَرَکَ الصَّلوةَ مُتَعَمِّداً فَقَدْ کَفَرَ»(۵۱) هر که عمداً نماز را ترک کند، کفر ورزیده است.

و در کلام علوی می خوانیم که فرمود:

«مَنْ ضَیَّعَ الصَّلوةَ فَهُوَ لِغَیْرِها اَضْیَعُ»(۵۲) کسانی که نماز را سبک شمارند و آن را تباه و ضایع سازند، غیر نماز را بیشتر ضایع خواهند ساخت.

نماز، موقعیّتی است که باید در آن به خدا توجّه داشت نه دیگری، و هر چه را از نظر دور داشت مگر خدا را. باید خدای را زنده و حاضر و ناظر بدانیم و احساس حضور در برابر آن خالق عظیم را در خویش، زنده نگاهداریم. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرموده است:

همین که انسان در نماز به غیر خدا توجّه می کند، خداوند به او خطاب می کند: به چه کسی توجه می کنی؟ آیا پروردگاری

جز من سراغ داری؟

ص: ۱۶

آیا جز من، مراقب و ناظری در کار است؟

آیا به بخشنده ای جز من دل بسته ای ...؟

اگر توجه به من داشته باشی، من و فرشتگانم به تو توجّه خواهیم کرد و ...(۵۳)

ص: ۱۷

چه غافل اند، آنان که بر سر سفره نعمت خدا، عمری می نشینند و یکبار هم به شکرانه این موهبت ها در آستان آن خدای متعال، پیشانی عبودیت و سجده شکر بر زمین نمی گذارند!

استقبال از نماز `

ادب و آداب نماز

حضور شاکرانه و عابدانه در برابر پروردگار، دلی پاک می خواهد و نیّتی خالص، زندگی و رفتاری خداپسندانه می طلبد و معرفتی عمیق و بصیرتی مکتبی. زبانی دور از گناه می خواهد و چهره ای نیالوده به نافرمانی معبود. توجّه و حضور قلب در نماز، ادب لازم در این عبادت والاست.

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام نماز، از دنیا و آنچه در آن است مأیوس شو، تمام هدف و توجّت به خدا باشد و یاد روزی باش که در برابر دادگاه عدل الهی قرار می گیری.(۵۴)

رعایت آداب ظاهری و باطنی و شرایط صحّت و قبول و کمال، عمل را مطلوب خدا می سازد و نماز را شایسته صعود به درگاه خدا می سازد.

آداب نماز، که در قالب احکام نماز باید مراعات شود، در هر سه بخش نماز جاری است:

۱. مقدّمات نماز، یعنی اموری که باید قبل از شروع به نماز به آن ها پرداخت.

۲. مقارنات نماز، یعنی اعمال و آداب متن نماز.

۳. تعقیبات نماز، یعنی امور پس از نماز.

مقدّمات نماز

۱. طهارت

نمازگزار، باید پیش از آن که شروع به نماز کند «وضو» بگیرد. امام باقر علیه السلام فرموده است:

«لا صَلوةَ اِلاّ بِطَهُورٍ»(۵۵) نماز بدون وضو نماز نیست.

وضو، جزئی از ایمان است، نورانیت و صفای درونی می آورد، نشاطآور و کسالت زداست، به علاوه نظافت جسم را نیز همراه دارد. وضو، انسان را آماده نماز می سازد. فیض کاشانی گفته است: یک مرتبه از مادّیت برخاستن و به معنویت سفر کردن دشوار است، امّا وضو، انسان را کم کم آماده می سازد.(۵۶)

وضو، کفاره گناهان کوچک است و خوب است انسان در همه حال با وضو باشد و حتّی هنگام خوابیدن هم وضو بگیرد.

بی وضو دست زدن به خطّ قرآن و نام خـدا و پیامبر و امامان حرام است. طهارت به منزله اجازه ورود به حضور خداست. البتّه طهارت، مراتبی دارد:

طهارت ظاهر، از نجاسات و آلودگی ها.

ص: ۱۸

طهارت اعضا، از گناهان و جرایم.

طهارت روح، از مفاسد و رذایل اخلاقی.(۵۷)

لازم به تـذکّر است که گاهی طهارت لازم برای نماز، با غسل میسـر است. کسـی که جنب باشد یا به دلیل دیگری غسل بر او واجب شود بایـد غسل کنـد. در مواردی هم وظیفه نمازگزار، تیمّم بر خاک و زمین است، آنجا که آب نباشد، یا ضـرر داشـته باشد، یا وقت برای غسل و وضو نداشته باشد، یا آب برای آشامیدن و حفظ جان لازم باشد و ...

درباره هر یک از اَشـکال وضو، غسل وتیمّم که مصـداق های «طهارت»انـد، مسائل متعـدّدی در رساله های مراجع تقلید آمده است که پرداختن به آن ها ما را از هدف این کتاب، دور می کند.

۲. لباس و مکان نمازگزار

در نماز، پوشـش بـدن لازم است. البتّه حدّ واجب برای مرد پوشاندن عورت است، ولی بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند و زن، باید تمام بدن (به جز صورت ودست و پا تا مچ) را بپوشاند.

لباس، باید پاک و مباح باشد. در نماز، بهتر است جامه سـفید پوشیده شود، انگشتر عقیق بدست باشد و از لباس های چرک و تنگ و سیاه و لباس افراد لاابالی که از نجاسات پرهیز نمی کنند استفاده نشود.

مکان نیز بایـد مباح باشـد. در جایی که مال دیگران است، بی اجازه و رضایت نمی توان نماز خوانـد و رعایت این شـرطها در نماز، هم مراعات ادب است و هم رعایت حق دیگران..

درباره مکان و لباس نیز مسئله فراوان است. (به رساله های عملیه رجوع شود)

۳. شناخت قبله

نمـاز، بایـد به سوی قبله باشـد، قبله ما کعبه مقـدّس است. گرچه خـدا در طرفِ خاصـی نیست که به او رو کنیم، هر طرف رو کنیم، خـدا آنجاست «اَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ» ولی هم برای گرامیداشت خاطره ابراهیم، بنیانگذار خانه توحید، هم برای متوجّه سـاختن دل به نقطه ای مقـدس، هم برای همـاهنگی و نظم عبـادت کننـدگان و نمـازگزاران در جهت گیری عبادی و هم برای اسرار دیگر، مأموریم که قبله نمازمان را

«کعبه» قرار دهیم.

مسـلمانان، اوایل به سوی «بیت المقـدس» نماز می خواندنـد. یهودیان زخم زبان می زدنـد که مسـلمانان قبله ندارند و به سوی قبله ما عبادت می کنند. پیامبر منتظر تکلیف الهی بود، فرمان رسید هر کجا هستید، روی را به سوی مسجدالحرام کنید.(۵۸)

این فرمان، این درس را می دهد که مسلمانان، باید متکّی به خود و مستقل باشند، حتّی در مسئله قبله و جهتِ نماز. از این رو،

امّت اسلام، نماز و دعا و ذبح حیوان و حتّی خواب و خوراک را

ص: ۱۹

به سوی قبله انجام می دهند، تا به موازات توجّه ظاهری به کعبه، دل و جان انسان نیز جهت گیری خدایی داشته باشند و همه جا و در همه حال، به یاد خدا و توحید باشند.

کعبه، هم یادگار ابراهیم و اسماعیل و محمّد صلی الله علیه وآله است، هم نقطه شروع حرکت عاشورایی امام حسین علیه السلام و هم تکیه گاه امام زمان علیه السلام در قیام جهانی خویش خواهد بود.

۴. اذان

اذان، شعار توحیدی مسلمانان است.

اذان، اعلام یکتایی خدا، رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وآله ولایت علی علیه السلام، رستگاری در سایه نماز، و «تکبیر» خداوند است. اذان، فریاد بر ضدّ معبودهای خیالی، معرفی عقیده اسلامی، و شعار اسلام است.

نحستین مؤذّن اسلام، «بلال حبشی» بود که با اذان او، مردم به نماز حاضر می شدند(۱) و مؤذن شدن او، دلیل اعتبار «تقوا» و «ایمان» در دیدگاه اسلام است، نه رنگ و قیافه و نژاد و ثروت!

اذان، هم فراخواندن امّت اسلام به شرکت در نماز جماعت است، هم آماده سازی جان و دل برای ورود به «نماز».

وقتی طنین ملکوتی اذان در فضا می پیچد، دل مؤمنان را به سوی خدا می کشد و بر وحشت و خشم کافران می افزاید.

مرحوم شهید نواب صفوی به یاران خود دستور داده بود هنگام ظهر و مغرب، هر کجا بودید، با فریاد بلند اذان بگویید. همین اذان ها وحشتی در دل مأموران نظام طاغوت به وجود آورده بود. این گوشه ای از معنای حدیثی است که می فرماید: با صدای بلندِ اذان، شیطان عصبانی می شود و فرار می کند.(۲)

بی جهت نیست که «گلادستون» سیاستمدار انگلیسی در پارلمان گفته بود: تا نام محمد صلی الله علیه وآله بر فراز مناره ها بلند است و تا کعبه پابرجاست و قرآن کتاب راهنمای مسلمین است، امکان ندارد سیاست ما در سرزمین های اسلامی استوار شود.(۶۱)

آری ... اذان، شعار باطل کوب و دشمن شکنِ توحید است.

ما نیز از عمق جان، علی رغم خواسته مشرکان و کافران امروزی در سراسر جهان، اعلام می کنیم:

اللّه اکبر ... اللّه اکبر ... لا اله الاّ اللّه محمّد رسول اللّه ...

(۳)

۱- ۵۹) سفینهالبحار، ج ۱، واژه «بلل».

۲- ۶۰) کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۹۲.

۳- ۶۱) تفسیرنمونه، ج ۴، ص ۴۳۸.

۱۰- در محراب نماز

راز نماز » در محراب نماز

اینک، آماده ورود به متن نمازیم.

غیر از حرکات ظاهری نماز، که هر کدام فلسفه و رازی دارد، و غیر از ذکرها و تسبیح های آن، که هر کدام مفاهیم بلندی را در بر گرفته است، روح نماز، همان «توجّه» است. نمازگزار با اخلاص و آگاهِ به رمز و راز عبودیت، باید همواره و در تمام لحظات و فقرات نماز، بداند که چه می کند، در چه مقامی ایستاده است، با که سخن می گوید، طرف خطابش کیست و حرف و خواسته اش چیست.

این «حضور قلب»، عنصر اصلی سازندگی نماز و «یاد خدا» است که فلسفه بلند و عمیق نماز است.

آشنایی به مفاهیم جملات قرائت و ذکرها، و توجّه به معنای اعمال و حرکات در نماز، زمینه ساز پیدایش خشوع قلبی و خضوع جسمی و توجّه باطنی به معبود یکتاست. با این تذکّر، وارد نماز می شویم:

۱۱- نیّت

راز نماز » نیّت

سرفصل این عبادت و نخستین امر واجب در نماز، «نیّت» است. و ...

نیّت، تعیین کننده ارزش هر عمل است.

اگر عبادتی، از جهت نیّت، خلل یابد و نمازگزار، دچار ریب و ریا گردد، کاراش بی نتیجه و عبادتش فاسد و رنجش بی اجر خواهد بود. بنا به اهمیّت نیّت و خلوص و جایگاه رفیع آن در هر عبادت و عمل، به ویژه در نماز، به بحثی نسبتاً مبسوط درباره آن می پردازیم.

نیّت چیست؟

انگیزه آگاهانه نسبت به هر عمل «نیّت» آن است و در عبادت، این انگیزه باید خدایی باشد و نماز به خاطر رضای الهی و در جهت تأمین خواسته او و اجرای فرمانش و به قصد نزدیک تر شدن به خدا (قصد قربت) انجام گیرد.

اگر در عبادت و نماز، چنین نیّت خالصی وجود داشت، عامل قرب می شود وگرنه جز دوری از خدا بازدهی ندارد.

نیّت، آگاهی و توجّه به عمل و هدف آن است. هدف نماز که «یاد خدا»ست باید همواره در دل و ذهن نمازگزار، زنده باشد و انگیزه های مادّی و غیر خدایی از جمله جلب رضایتِ مردم، ریا، خودنمایی و شهرت در دل و فکر، راه پیدا نکند.

در جادّه ها، راه پر خطر را علایم بیشتری می گذارند. راه بندگی خدا هم، پر از انواع خطرهایی است که عمل و فکر و نیّت را تباه و منحرف می سازد. و از اینجاست که در متون دینی و رهنمودهای پیشوایان اسلام، تعابیرِ «فِی اللّه»، «لِلّه»، «فی سبیل اللّه» و ... فراوان به کار رفته است. در آیات قرآن، هفتاد بار کلمه «فی سبیل اللّه» (در راه خدا) درباره کارهایی همچون نماز، زکات، جهاد، هجر، شهادت، انفاق،

به کار رفته است رنگِ «الهی» به هر کاری بخورد، آن را ارزشمند و جاودان می سازد.(۶۲)

در سایه نیّت خالص، کار کم، زیاد می شود. عمل کوچک، عظمت می یابد، انفاقی اندک، پاداشی عظیم می یابد، کار دنیایی و مادّی، به عملی اخروی و معنوی تبدیل می شود.

اگر کسی عمری در عبادت و روزه و جهاد و انفاق بگذراند، ولی نه بخاطر خدا، همه اش تباه است، و اگر دِرهمی انفاق، مرتبه ای جهاد، گامی کوچک، سجده ای کوتاه، برای خدا باشد، نزد خدا محفوظ است و از پاداش خدایی برخوردار.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «مَنْ اَرادَ اللّهَ بِالْقَلیلِ مِنْ عَمَلِهِ، اَظْهَرَهُ اللّهُ اَکْثَرَ مِمّا اَرادَ، وَ مَنْ اَرادَ النّاسَ بِالْکَثیرِ مِنْ عَمَلِهِ اَبَی اللّهُ اِلاّ اَنْ یُقَلِّلَهُ فِی عَیْنِ مَنْ سَمِعَهُ» هر که در کار اندک خود، هدف خدایی داشته باشد، بیش از آنکه خودش بخواهد، خداوند کار او را بیشتر جلوه می دهد و هر که از کار زیاد، جلب نظر مردم را

بخواهد خداوند، کارهایش را در دید شنونده، اندک جلوه می دهد.

دل ها به دست خداست و محبّت مردم نیز با اراده پروردگار است. اگر انسان، محبوبیّت و مودّت دیگران را هم بخواهد، باید از خداوند که «مقلّب القلوب» است بطلبد.

به تعبیر امام صادق علیه السلام: دل حرم خداست، و در این حرم و حریم، نباید غیر خدا راه یابد.(۶۳)

چون دل، سرای توست نه بیگانه

در راه دل نشسته و دربانم

حاشا که جز تو، ره به دلم یابد

جانم فدای تو، ای همه جانانم

على عليه السلام فرموده است: «اَخْلِصْ لِلّهِ عَمَلَكَ وَ عِلْمَكَ و بُغْضَكَ وَ اَخْذَكَ وَ تَرْكَكَ وَ كَلامَكَ وَ صُمْتَكَ»(۱) عمل و علم و دشمنی و گرفتن و نگرفتن و سخن و سکوت خویش را تنها «برای خدا» خالص گردان.

در عبادت و نماز، باید قصد قربت کرد. حتّی اگر گوشه ای از آن برای غیر خدا باشد عمل باطل است و نزد خداوند، نامقبول.

حتی اگر نماز را برای خدا بخوانیم ولی انتخاب مکان و زمان و نحوه خواندن و ... برای غیر خدا باشد، باطل است. در عبادت خدا نباید دیگری را شریک ساخت. قرآن می فرماید:

«وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»(۲)

احدی را شریک عبادت خدا قرار ندهید.

حتی اگر رزمنده ای در جبهه، برای غنایم، یا خودنمایی و اظهار شهامت و ... بجنگد، ارزش ندارد.(۳)

ورود شرک و ریا به عمل انسان، طبق حدیث، از حرکت مورچه در شبی تاریک، روی سنگ سیاه و سفت، بی نمودتر و مخفی تر است! ...(۴)

به فرموده امام على عليه السلام : «الاِخْلاصُ اَعلَى الايمانِ»(۵)

۱۲- راه رسیدن به اخلاص

راز نماز » راه رسیدن به اخلاص

آنکه جنس خود را ارزان می فروشد؛ یا به ارزش آن ناآگاه است، یا مشتری را نمی شناسد، یا نرخ و قیمت را نمی داند. قرآن برای آنکه ما کالای وجود، دل و جان و عمل و عبادت خود را ارزان نفروشیم، در هر سه زمینه ما را راهنمایی می کند:

انسان را جانشین خدا در زمین و امانت دار الهی و اشرف مخلوقات می شمارد.

مشتریِ عمل های نیک انسان را هم، خدا می داند که هم اعمال اندک را می خرد، هم گران تر می خرد و هم بدی ها را می پوشاند و رسوا نمی کند. قیمت انسان را هم، بهشت می داند و لذّت های ابدی و همجواری اولیای خدا.

بیراهه رفتن و دل به غیر خدا سپردن را زیان می شمارد و می گوید: اگر خود را به کمتر از بهشت بفروشی، ضرر کرده ای!

آنکه به این نکات توجّه کند، دیگر عبادتش برای جلب توجّه مردم نیست.اخلاص، بلندترین قلّه ایمان است.

عمل بدون اخلاص، آفت خیز است و نابود شدنی. نیّت استوار و خالص، باعث می شود انسان هرگز سست و خسته نشود و به عجز و به بن بست نرسد.

۱- ۶۴) فهرست غررالحکم، واژه اخلاص.

۲- ۶۵) کهف، آیه ۱۱۰.

۳- ۶۶) محجهالبیضاء، ج ۶، ص ۱۷۱.

۴- ۶۷) تحف العقول، ص ۴۸۷ از سخنان امام عسگری علیه السلام.

۵- ۶۸) فهرست غررالحکم، واژه اخلاص.

خداوند، «ولیّ نعمت» ماست. یاد کردن از نعمت های پروردگار، خلوص می آورد.

امام سجادعلیه السلام در دعای «ابوحمزه ثمالی» به خداوند چنین می گوید:

خدایا! من کوچک بودم، بزرگم کردی.

ذلیل بودم، عزّتم بخشیدی.

جاهل بودم، عالمم ساختی.

گرسنه بودم، سیرم کردی.

برهنه بودم، لباسم پوشاندی.

گمراه بودم، هدایتم کردی.

فقیر بودم، بی نیازم نمودی.

مریض بودم، شفایم بخشیدی

گنهکار بودم، خطایم را پوشاندی....

راه دیگر اخلاص یابی، توجّه به کوچکی و بی ارزشی و گذرا بودن دنیا و جلوه های مادّی آن است.

طبق آیات قرآن، دنیا سرمایه ای اندک است، غنچه ای است ناشکفته، کالایی است غرورآفرین و غفلت آور. دل را باید خانه عشق به بزرگ ترین محبوب و با ارزش ترین هستی ساخت. آنان که برای غیر خدا کار می کنند، در فردای قیامت، خواهند دید که از آنها کاری ساخته نیست. چرا برای «اللّه» کار نکنیم، که هم مهربان و بنده نواز است، هم دادگر و رئوف است، و هم نیکی ها از یادش نمی رود و هم به کسی ستم نمی کند.

مشتِ ریاکار روزی باز می شود، البتّه نزد خداوند از اوّل باز است. ترس از رسوایی ریاکاری، عامل دیگری در جهت کسب اخلاص است.

آنکه چهل روز، برای خدا خالص شود، فارغ التحصیل مکتب خودسازی است. چنانکه پیامبر فرموده است:

«مَنْ اَخلص للّه اربعین صباحاً ظهرتْ ینابیعُ الحکمه مِنْ قلبه علی لسانه» آنکه چهل روز، خالصانه عمل کند، چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می شود.(۱)

۱۳- نشانه های اخلاص

از کجا می توان فهمید که عبادت مان خالصانه است؟ نشانه های اخلاص چند چیز است:

۱. عدم توقّع از دیگران

اخلاص، ثمره یقین است. اگر کسی ایمانی از روی یقین به خدا و قیامت و بهشت و جهنم و حساب و کتاب داشته باشد، جز برای رضای حق تعالی عبادت و عمر نمی کند.

۱- ۶۹) جامع السعادات، ج ۲، ص ۴۰۴.

اگر کار برای خداست، انسان مخلص، چشمداشت تشکّر و قدردانی از غیر خدا ندارد. اگر قدر نشناسی و ناسپاسی هم دید، باز در عمل خویش ثابت قدم و استوار است. این نشانه آن است که برای خدا کار می کند.

سوره «هل اتی» در شأن حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شد، که سه روز روزه نذری گرفته بودند، و در هر سه روز، افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و با آب، افطار کردند. سخن این خانواده با اخلاص، چنین بود: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَآءً وَلَا شُكُوراً»(۷۰) ما شما را بخاطر خدا طعام دادیم، و از شما پاداش و تشکّری

نمی خواهیم.

گاه کسی بدون چشم داشتِ مالی، خدمتی انجام می دهد ولی در باطن دوست دارد این را همه مردم بدانند و اذعان کنند که بی مزد و رایگان کار می کند و این با اخلاص سازگار نیست. اگر کسی از این ناراحت شود که ذکر خیری از دیگران به میان می آید و از او نه، در واقع در اخلاصِ نیت او خلل وارد می شود.

۲. توجّه به تکلیف، نه عنوان

مخلصان، بنده تکلیف اند، نه اسیر عنوان!

چه بسا کارهای لازم که بر زمین مانده، و کسی سراغش نیم رود، تنها به این جهت که عنوان مهم و معتبری همراه ندارد.

اخلاص را از آنجا می توان شناخت که انسان تکلیفش را – هر چه باشد – انجام دهد و کارهای بزرگ و کوچک، با عنوان و بی عنوان، دارای نمود و آوازه یا گمنام و ناشناخته، برایش یکسان باشد. اگر جز این باشد، رگه هایی از ناخالصی در نیتش وجود دارد.

۳. پشیمان نشدن

انسان مخلص، از کار نیکی که کرده، پشیمان نمی شود. چون نزد خدا پاداشش محفوظ است و به وظیفه هم هر چه بوده عمل کرده است. پس پشیمانی چرا؟

اگر به قصد قربت، به دیدار کسی یا به مجلس ختم رفتید، امّا آنان متوجه حضور شما نشدند و تشکّر نکردند، پشیمانی ندارد. اگر در این شرایط از رفتن پشیمان شدید، پای اخلاصتان می لنگد.

۴. عدم تأثیر استقبال یا بی اعتنایی

این هم نشان دیگری از اخلاص است. این نباشد که چون کارتان مورد ستایش واستقبال قرار می گیرد، تشویق به انجام آن شوید، واین نباشد که چون کارتان با بی اعتنایی وبی مهری مردم روبرو شود سست شوید. اگر کار برای خداست نباید تشویق

و استقبال یا بی اعتنایی و عدم قبول مردم در انسان مخلص مؤثر واقع شود. اگر کار برای خداست نباید تشویق و استقبال یا بی اعتنایی و عدم قبول مردم در انسان مخلص مؤثر واقع شود.

ص: ۲۵

امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه، ضابطه و ملاک جالبی به دست ما داده است. می فرماید:

«لِلْمُرائِی ثَلاثُ عَلاماتٍ: یَکْسِلُ اِذا کانَ وَحْدَهُ یَنْشِطُ اِذا کانَ فِی النّاسِ وَ یَزیدُ فِی الْعَمَلِ اِذا کانَ اُثْنِیَ وَ یَنْقُص اِذا ذُمَّ»(۱)

ریاکار، سه علامت دارد: اوّل آنکه وقتی تنهاست، با کسالت و بی حالی عمل می کند. دوّم آنکه در حضور مردم، نشاط می ورزد. سوّم آنکه اگر تعریفش کنند، می افزاید و اگر ملامتش کنند، می کاهد.

۵. یگانگی ظاهر و باطن

از نشانه های دیگر خلوص، همگونی ظاهر و باطن است. عملش در ظاهر با نیّتش در باطن یکسان باشد. گندم نمای جو فروش نباشد، و همان باد که نشان می دهد، «بود» و «نمود»ش یکی باشد.

علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ لَمْ یَخْتَلِفْ سِرُّهُ وَ عَلانِیَتُهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقالَتُهُ، فَقَدْ اَدّیَ الاَمانَهَ وَاخْلَصَ الْعِبادَه».(۲) کسی که ظاهر و باطنش و نهان و آشکارش و رفتار و گفتارش با هم اختلاف نداشته باشد، او امانت الهی را ادا کرده و عبادت و بندگی را خالص ساخته است. نشانه های دیگری هم برای اخلاص وجود دارد که به همین قدر، بسنده می شود.

آنکه اخلاص دارد، نورانیتی در دل، توفیقی در عمل، پاداشی در دنیا و آخرت، عاقبت بخیری و خوش نامی، محبوبیّت و نام نیک خواهد داشت. این وعده الهی است که پاداش نیکوکاران خالص و بندگان مخلص ضایع نمی شود.

پس نمازی بخوانیم، با اخلاص و توجّه به خدا.

نمازی که خواندنش، یک دعای مستجاب دارد.(۳)

نمازی که به انتظار نشستن برای آن، خود عبادت است.(۴)

نمازی که از انفاق خانه ای پر از طلا بهتر است.(۵)

نماز بخوانیم، و حق آن را ضایع نکنیم، در انجام آن سستی و کاهلی نکنیم، گاه و بیگاه، ترک نکنیم، به خاطر مشغولیات دیگر، آن را عقب نیندازیم.

نماز اوّل وقت و به جماعت را فراموش نکنیم. که ... یاد خدا بزرگ تر از هر چیز است: «وَلَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ»(۶)

۱۴– تکبیر

راز نماز » تکبیر

«اللّهُ اکبر»

خدا بزرگ تر است. بزرگ تر از هر چه به وصف آید و در ذهن و زبان بگنجد. بزرگ تر از آنچه می گویند و می خوانند و می شناسند.

بزرگ تر از فکر و خیال و اندیشه ما و در واقع بزرگ تر از آنکه با دیگران مقایسه شود

ص: ۲۶

۱- ۷۱) محجهالبیضاء، ج ۶، ص ۱۴۴.

۲- ۷۲) نهج البلاغه، نامه ۲۶.

۳- ۷۳) وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۱۶.

۴- ۷۴) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۵.

۵- ۷۵) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶.

۶- ۷۶) عنکبوت، آیه ۴۵.

با این کلام نماز شروع می شود. این شعار، تکبیره الاحرام است، یعنی اللّه اکبری که با آن به حریم نماز وارد می شویم و غیر خدا را از یاد می بریم و برای جز او عظمتی نمی شناسیم و کارهای خلاف را بر خود حرام می کنیم.

توجّه قلبی به عظمت خدا را با تکبیر بر زبان می آوریم تا زبان مان با دل مان همصدا شود. اللّه اکبر یعنی خدا از همه بزرگ ها بزرگ تر است و از همه عظمت ها برتر است. اصلاً اوست که سرچشمه بزرگی و عظمت و قدرت است، با تکیه بر او از هیچ قدرتی هراسی نیست، با اتّکای به او، از هیچ منبع و تکیه گاهی چشمداشتی نداریم.

کافران با نام بُت شروع می کردند، و طاغوتیان همواره نام طاغوت بر زبان دارند.

اللّه اکبر، خط بطلانی است بر همه قدرت های طاغوتی، وسوسه های ابلیسی و جاذبه های مادّی.

چنانکه هواپیما هر چه بیشتر اوج بگیرد، خانه ها کوچک تر دیده می شود، انسان هر چه خداشناس تر شود و عظمت ها و نعمت ها و قدرت های الهی را بیشتر بشناسد، جز خدا هر چه هست در نظرش کوچک می شود و خدا بزرگ تر از هر چیز، آری ... «اللّه اکبر»

مرحوم فیض کاشانی می گوید:

«هرگاه در نماز، حلاوت و شیرینی مناجات را یافتید، بدانید که تکبیر شما مورد قبول و تصدیق خداوند قرار گرفته، و اگر چنین نبود، بدانید که خداوند، شما را نپذیرفته و سخن تان را تصدیق نکرده است».(۱)

۱۵– قرائت

راز نماز » قرائت

سوره حمد

«بِسْمِ اللّه الْرَّحْمَنِ الْرَّحِیمِ»

با یاری خداوند، با نام و یاد او، با نیّتی الهی شروع می کنیم. خدایی که به همه لطف دارد، و همیشه لطیف و مهربان است.

بسم اللّه، در آغاز همه کتاب های آسمانی بوده است. هر کاری که با نام خدا شروع نشود، به انجام مطلوب نمی رسد.(۷۸)

بسم اللّه، خدایی کردن کارهاست، و رنگ و نشان خدا زدن بر اعمال و عبادات. پیامبران نیز شروع کارشان با بسم اللّه بوده است، همچون نوح، که کشتی خود را به نام اللّه به آب انداخت و با نام او آن را متوقف کرد.

شروع هر کار به نام خدا رمز عشق به خداست و توکّل بر او و نشانه بندگی انسان در پیشگاه خداست، یعنی اینکه: خدایا، همواره به یاد توام، با یاد تو شیطان را فراری می دهم و به کمک نام تو یادت را در دل زنده نگاه می دارم.

۱- ۷۷) محجهالبیضاء، ج ۱، ص ۳۸۵.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ»

حمد و ستایش، مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده جهانیان و سرپرست نظام هستی و صاحب همه نعمت های مادی و معنوی است.

ربّ آسمان ها و زمین و پروردگار همه موجودات است.

کوه های سنگین را لنگر زمین ساخته، فاصله خورشید تا زمین را در حدّ متعادلی قرارداده، به انسان ها از دوران طفولیت، راه زندگی وتأمین نیازها را الهام کرده، چشم و گوش وفکر وقدرت وغرائز عطا کرده، ولطف پیدا و پنهانش را شامل حال انسان نموده است. چه ناسپاس اند آنان که زبان به ستایش خدا نمی گشایند. از نعمت ها بهره مند می شوند و نافرمانی می کنند، غرق در مواهب الهی اند وبخشنده آنها را

نمی شناسند.

انسان و این همه ناسپاسی و بی معرفتی؟ به راستی که انسان موجودی ظَلوم و جَهول است! ....

«الحمد للّه رب العالمین»، یعنی همه ستایش ها از آن اوست، که امکان رشد و تربیت را در انسان و همه موجودات فراهم کرده است.

هم آفرینش از اوست و هم پرورش آن ها.

مگر می توان سپاسی در خور و تشکری شایسته ربوبیّت و پروردگاریش نمود؟

از دست و زبان که بر آید

کز عهده شکرش به در آید

زبان ها ناتوان از شمارش نعمت های اوست، تا چه رسد به ادای حقّ او و سپاس نعمت هایش:

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدا آورد

ورنه سزاوار خداوندیش

کس نتواند که به جا آورد(۷۹)

«الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ»

سایه رحم همیشگی ورحمت همگانی اش بر سر خاص و عام، افکنده است. کیست بگوید من از رحمت خدا بی بهره ام؟ حتّی برای گناهکاران هم، دری همچون «توبه» گشوده است که از رحمت او محروم نشوند، و آنان را دوست می دارد.(۸۰)

رحمتش چنان عام و فراگیر است که مأیوس شدن از رحمت او از گناهان کبیره است. و خود فرمان داده است که از رحمتش مأیوس نشوند. او همه گناهان را می بخشد.(۸۱)

ص: ۲۸

خداوند، با رحمت خود، نه تنها لغزش ها را می پوشاند و می بخشاید، بلکه حتّی لغزش ها را به حسنات تبدیل می کند.

نه تنها نعمت های مادی اش ما را احاطه کرده، که نعمت های معنوی اش فراگیر ماست. نه تنها شیرینی های زندگی از رحمت اوست، بلکه حوادث ناگوار، که گاهی تازیانه عبرت و هشدار بیدار باش و غفلت زدایی است، از رحمت او به بنده اش سرچشمه می گیرد تا بیشتر در کام هوس فرو نرود و در دام گناه نیفتد.

او رحمان است، رحیم است، بنده نواز و مهربان است، ذرّه پرور و خطاپوش و عذرپذیر و بزرگوار است.

«مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ»

صاحب روز جزا و مالک قیامت است.

لطف خدا، از آغاز آفرینش ما، همراه مان بوده است و زندگی ما را همچنان به طور گسترده فراگرفته است.

حساب آینده ما و سرنوشت قیامت ما هم به لطف او بسته است. گرچه او مالک دنیا و آخرت است، امّا چون مالکیّت کامل و مطلق و بی رقیب او در قیامت برای همه، واضح تر و آشکارتر می شود، همه حیله ها، وساطت ها، تکیه گاه ها، امیدها، از اثر می افتد و تنها فرمان خدا آن روز حاکم و نافذ است، از این رو مالک آن روز به حساب آمده است: «وَالْاَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلّهِ» تمام کارها آن روز به دست خداست.

آن روز از مردم سئوال می شود: «لِمَنْ الْمُلْکُ الْیَوْمَ؟» امروز، حکومت از آن کیست؟ جواب می دهند:

«لِلّهِ الْواحِدِ الْقَهّار» از آنِ خدای یگانه و قدرتمند.

در نماز، با این صفت، یاد روزِ سختِ دادرسی در دل ها زنده می شود و خوف و خشیت الهی، بر دل ها سایه می افکند و نماز، دریچه ای می شود به «یاد قیامت».

در حدیث آمده است که امام سجاد علیه السلام در نماز، هنگامی که به جمله «مالک یوم الدین» می رسید، آن را آن قدر تکرار می کرد که نزدیک بود روح از بدنش پرواز کند.(۸۲)

قیامت، روز دین، روز جزا، روز حسابرسی و کیفر کردار است. یاد آن، دل ها را نرم می کند، تکبر و غفلت را می زداید و عظمت الهی را در دل، مجسم می سازد.

«اِیّاکَ نَعْبُدُ وَاِیّاکَ نَسْتَعِینُ»

تا اینجا، مقدمه چینی و زمینه سازی برای اظهار بندگی و ابراز نیاز و مددخواهی است. نمازگزار، خدا را به رحمت و کرم، ستوده است، او را سررشته دار تربیت وهدایت همه جهان وجهانیان دانسته، همه ستایش ها را مخصوص او ساخته، سرانجام خود را در دست او دیده است.

با درک عظمت خداوند و نیاز خویش می گوید:

«ایّاک نعبد ...» تنها تو را می پرستیم، تنها بنده توییم، نه برده دیگران. تنها مطیع امر توییم، نه غلام حلقه بگوش جباران و کافران. و .... «ایّاک نستعین»، تنها از تو یاری می طلبیم و استعانت می جوییم. حتّی عبادت مان، توفیقی از تو لازم دارد وگرنه شیطان، ما را به سوی طغیان و گردن کشی سوق می دهد.

توان جسمی و سلامت بدن را از او می طلبیم، تا قدرت عبادت داشته باشیم. شناخت وظیفه و عمل به تکلیف را با استعانت از او انجام می دهیم. او باید کمک مان کند تا خداشناس شویم، به یاد نعمت هایش باشیم و به شکرانه آن، در محراب عبادت بایستیم و «بندگی» خود را ابراز کنیم.

قبول نمازمان از سوی اوست. نجات از غرور و عجب به توفیق اوست. علاقه به عبادت و پرستش، از بنده نوازی او سرچشمه می گیرد. غلبه بر موانع اطاعت و بندگی و رها کردن علایق و جاذبه های گذرا و فانی، و روی آوردن به کانون زیبایی ها و منشأ کمال ها به توفیق اوست.

ایّاک نعبد... یعنی تنها بنده تو هستم، نه برده شرق و غرب، نه اسیر زر و زور، نه دلبسته مقام و مال و شکم و شهوت...!

ایّاک نستعین ... بر هر گونه حقارت پذیری و استمداد از قدرت های مادّی و پوشالی خط بطلان می کشد وکار واسطه ها را بی اثر می داند.

«اِهْدِنَا الصِّرَ طَ الْمُستَقِیمَ»

در پیچ وخم راههای زندگی ودرمیان هزاران راه رنگارنگ و گوناگون، راه راست یکی است که به خدا منتهی می شود و ما را به خدا می رساند. در این که آن راه چیست و چگونه باید آن را پیمود، باید از خدا مدد گرفت و هدایت طلبید.

در این عبارت، طلب هدایت از خدا می کنیم تا ما را به راه راست و «صراط مستقیم» راهنمایی کند. چرا که راههای غیر مستقیم، بسیار است. راه هوس ها، افراط و تفریطها، وسوسه های شیطانی. راههای بی منطق و برهان، مسیرهایی هلاکت بار و آینده سوز. راههای بی مرشد و راهنما. راهی که طاغوت ها پیش پای مردم می نهند، راه سلیقه های شخصی در مقابل راهنمایی های دین و... که این همه راه نیست، بلکه «بیراهه» است.

پس راه مستقیم کدام است؟

قرآن، راه مستقیم را راه خدا و انبیا می داند.(۸۳) راه بندگی و عبودیت خدا: «وَأَنِ اعْبُدُونِی هَذَا صِرَطٌ مُّسْتَقِیمٌ»(۸۴) راه پیوند و تمسّک به آیین خدا و پذیرش قانون الهی.(۸۵) راه رهبران معصوم و پیشوایان اهلبیت، که امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند راه مستقیم، ما هستیم.(۸۶)

البتّه راه مستقیمِ الهی و حرکت در مسیر خدا طبق شرایط و مقتضیات، متفاوت می شود و «تکلیف»، کارهای گوناگونی از ما می طلبد. وظیفه ما در زمان های مختلف و نسبت به اشخاص گوناگون فرق می کند.

پس گاهی تشخیص راه مستقیم دشوار است و حرکت در آن دشوارتر. راهی است باریک و لغزنده و پر خطر، که یک لحظه غفلت، انسان را به جهنم گناه و فساد و سقوط می افکند. از این رو، باید از خدا راهنمایی خواست، که هم راهشناس است و هم راهنما. و هم رهنمایانی فرستاده که از راه به بیراهه نیفتیم و در فکر، عمل، اخلاق، وظایف اجتماعی - سیاسی، روش رفتار در خانواده و جامعه، راه دخل وخرج، حشر ونشر، رفت و آمد، معاشرت و

داد و ستد، از صراط مستقیمی که خدا می خواهد و می پسندد، دور نشویم.

راه مستقیم، راه اعتدال و میانه روی و دوری از افراط و تفریط است. حتّی در عبادت، اعتدال امر مطلوبی است.(۸۷)

امام عسگری علیه السلام در تفسیر «اهدنا الصّراط المستقیم» می فرماید: نمازگزار با بیان این جمله می گوید: راه مستقیم، راهی است که از کوته فکری بالاتر و از بلندپروازی و غلوّ، پایین تر باشد.

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

راه مستقیم، راهی است که انسان را به محبّت خدا و دین او سوق می دهد و از هواپرستی و پیروی از سلیقه ها و آرایِ شخصی در دین، باز می دارد.(۸۸)

راه مستقیم، دوری از کوتاهی و زیاده روی است. رهرو این راه نه از فرط آرزو به طمع می افتد، نه از شدّت طمع به حرص گرفتار می شود. نه هنگام یأس از تأسف می میرد، نه وقت ناراحتی اسیر طوفان خشم می شود. نه هنگام شادی بدمستی می کند، نه تموّل او را یاغی می سازد و نه ناگواری ها او را به شِکوِه وامی دارد ...(۸۹)

پس این که راه مستقیم و روش عادلانه چیست، این را هم باید از دین آموخت و توفیق آن را از خدا طلبید.

«صِرَاطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ»

راه مستقیمی که در آیه قبل، از خدا خواستیم، در این آیه کمی توضیح داده شده است: راه کسانی که بر آنها نعمت دادی، نعمت هدایت وتوفیق، نعمتِ علم، جهاد، شهاد ورهبری دینی.

قرآن کریم، «پیامبران»، «صدیقان»، «شهیدان» و «صالحان» را از کسانی دانسته که خداوند به آنان نعمت عطا کرده است:

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأولَئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِّنَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدیقِینَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصَّلِحِینَ وَحَسُنَ أَوْلَئِکَ رَفِیقاً»(۹۰) این آیه، پیروان خدا و رسول را با این چهار گروه، همراه می داند و این چهار دسته از انسان های برجسته را، رفقایی نیکو معرفی می کند.

در نماز، از خدا می طلبیم که راه مستقیم را که راه انبیای الهی و شهیدان و نیکوکاران و راستان است به ما بنمایاند و توفیق گام برداشتن در راه آنان را بما عطا کند.

در روایات متعددی راه آنان که خدا نعمتشان داده بر راه امامان معصوم منطبق شده است.(۹۱)

درخواست راه مستقیم و راه نعمت یافتگان از خدا، تعیین و تلقین خط فکری و عملی صحیح در زندگی است تا جهت گیری عملی و اجتماعی ما در راستای «حق» باشد نه آمیخته به هوس ها و نه آلوده به فسادها و نه دلبسته به طاغوت ها!

«غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلاَ الضَّآلِّینَ»

نه راه غضب شدگان و گمراهان. راه فرعون ها، قدرتمندان بی تعهّد، مستکبران یاغی، که به قهر خدا هلاک و غرق شدند، (۹۲) راه قارون ها و سرمایه داران سنگدل که در برابر مردان خدا گردن کشی کرده و در خاک فرو رفتند.(۹۳)

و نه راه دانشمندان بی عمل و دنیاپرست که به آنچه می گویند، خود پایبند نیستند.(۹۴)

چهره غضب شدگان تاریخ را در نظر آورید، اقوام و ملّت هایی که با عذاب های آسمانی یا بلاهای زمینی به قهر خدا گرفتار شدند و تار و مار گشتند. منافقانی که در قرآن از مغضوبین به شمار آمده اند.(۹۵) گمراهانی که از راه حقّ، راستی و توحید، به بیراهه باطل وانحراف فکری وفسادعملی افتاده اند.

از خداوند می خواهیم که ما را در زمره نیکان روزگار و صالحان تاریخ قرار دهد، نه پیرو مفسدان و باطل پرستان گمراه و مغضوب.

سوره توحید

«بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ . قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ . اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُن لَّهُ کُفُواً أَحَد»

به نام خدای بخشنده مهربان. بگو، که او خدای یکتا و بی نیاز است. نه زاده است و نه زاده شده و نه کسی همتای اوست.

این سوره نیز با یاد خداوند مهربان آغاز می شود. سپس یکتایی و بی نیازی او را مطرح می کند. و با صفات دیگر خداوند به پایان می رسد. سوره ای است توحیدی. و یکتایی خداوند را در آفرینش، پرورش، مالکیّت، حاکمیّت، فریادرسی و بی نیازی می رساند.

خدایی که «صمد» است، بی نیاز است وهمه نیازمندان به او توجّه می کنند. از ویژگی های آدمی همچون خواب، خوراک، غفلت، خستگی، زاد، ولد، ترس و... به دور است. نه جسم است نه مثال. نه مکان وزمان دارد و نه شکل ومحدودیّت...(۱)

برخلاف مسیحیان که «عیسی» را فرزند خدا می پندارند و مشرکان که فرشتگان را دختران خدا می شناسند، خدای متعال بی زاد و ولد است. نه فرزندی دارد، نه فرزند کسی است.

و هیچ چیز شبیه او نیست. و هیچ کس و هیچ قدرت، همتای او نیست: «لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ»(۲)

حمد و سوره را که می خوانیم، رو به قبله ایم، بدنمان آرام است، فکرمان به یاد خداست، احساس مان، عبودیت و بندگی است، حالت قلبی مان خشوع و نیاز و توجّه. خود را در محضر خداوند می بینیم. تواضع، بر دل و جانمان و بر اندام و نگاه و صدایمان حاکم است.

عبدی در برابر معبود، آفریده ای در آستان آفریدگار، نیازمندی در پیشگاه بی نیاز. راستی اگر چنین حالت و احساسی پدید آید امکان دارد در نماز، دل به جای دیگر رود و حواس از یاد خدا غفلت کند؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله کسی را دید که در حال نماز، با ریش خود بازی می کرد، فرمود: اگر توجّهش به نماز بود و قلبش خشوع داشت، چنین نمی کرد! ...(۳)

۱۶- رکوع

راز نماز » رکوع

عظمت پروردگار انسان را به رکوع و کرنش وامی دارد و خدایی او، بنده را به تواضع. رکوع، خم شدن در برابر عظمت او و اظهار بندگی و طاعت اوست .

تا حدّی خم می شویم تا دست ها به زانو برسد. گردن را می کشیم، یعنی آماده ایم که سر در راهت بدهیم.

خم می شویم، یعنی کبریایی تو ما را به تعظیم وامی دارد و در برابر عظمت و یگانگی تو، الفِ قامت مان دال می شود و سرو قامتمان می شکند.

رکوع، ادبِ عابد است و سجود قرب او. کسانی به خدا نزدیک تر می شوند که در اظهار ادب کوتاهی نکرده باشند.(۹۹)

علی علیه السلام، آن قدر رکوع طولانی داشت که عرق از ساق پایش جاری و زیر قدم مبارکش تر می شد.(۱۰۰)

امام صادق علیه السلام بیش از سی مرتبه، در رکوع و سجود، ذکر خدا را تکرار می کرد.

رکوع، از رکن های نماز است. اگر به عمد یا اشتباه فراموش شود، نماز باطل است. در هر رکعت یک رکوع واجب است،

مگر در نماز آیات که در هر رکعت پنج رکوع دارد. و نماز میّت که بی رکوع است.

ص: ۳۳

۱- ۹۶) بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۲۳.

۲- ۹۷) شوری، آیه ۱۱.

۳- ۹۸) بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۲۸.

رکوع، ترکیبی است از فعل و ذکر. حرکت و عملش، نشان فروتنی و تواضع و خضوع است و ذکرش، تسبیح خدای متعال. «سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ»

گروهی از فرشتگان همواره در رکوع اند.(۱)

۱۷- سجود

راز نماز » سجود

سجود نیز همچون رکوع، از ارکان نماز است.

سجده، جز برای خداوند جایز نیست. اگر بنده ای به امر خدا سجده بر کسی یا چیزی کرده،(۱۰۲) و اگر فرشتگان، سجده بر آدم کردند،(۱۰۳) در واقع در برابر خداوند سجده کرده اند و اطاعت امر او به جا آوردند.

سجده، تذلل و اظهار کوچکی و خاکساری در برابر خداست. مگر نه اینکه همه آفریدگان در پیشگاه امر او و عظمت او ساجدند؟ مگر نه اینکه آفریدگان زمین و آسمان مانند خورشید و ماه و اختران و کوه ها و درختان و حیوانات، و توده عظیم مردمان از برای خداوند سجده می کنند؟(۱۰۴)

چرا ما، همسوی با همه کاینات، سجده بر خدا نکنیم.

در سجده نیز تسبیح خدا می گوییم و او را از هر عیب و نقص، و هر صفتِ بشری، و هر عجز و ناتوانی، و از هر آنچه به ذهن مان خطور کند و تصوّر شود، منزّه و مبرّا می دانیم.

تسبیح گوی او نه بنی آدمند و بس

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

چرا ما در رکوع و سجودمان، تسبیح گوی آن ذات بی همتا باشیم؟

در ثنایش، ذکر مرغان چمن

«سَبِّح اسْمَ رَبِّکَ الاَعْلی» بود

و مگر ما کمتر از گیاهان و مرغانیم؟

سجده، عالی ترین درجه عبودیّت است. سجده بر زمین و آنچه از زمین است صحیح است و بر خوراکی ها و پوشاکی ها و جواهرات حرام و نماز باطل است.

سجده، رمز بندگی است. پس باید همراه با تذلّل و خشوع و فروتنی و شکسته دلی و شکسته نفسی باشد. اگر با اشک چشم همراه بود، چه بهتر! و اگر طولانی بود، فضیلتش بیشتر!

امام سجاد علیه السلام، زینت ساجدان و فخر عابدان بود. در سجده، چندان با توجّه نام خدا را تکرار می کرد که وقتی سر بر می داشت بدن مبارکش غرق عرق بود.(۱۰۵)انسان راکع، هماهنگ وهمراه با فرشتگان می شود، همسویی و همسانی بنده ای زمینی با فرشتگان آسمانی. و چه افتخاری بالاتر از این؟!

ص: ۳۴

۱- ۱۰۱) نهج البلاغه، خطبه اوّل.

امام کاظم علیه السلام پس از نماز صبح سر بر خاک می نهاد و تا روز بلند شود و آفتاب برآید، در حال سجده بود.(۱)

ابراهیم خلیل، در اثر سجده های طولانی به مقام «خلیل اللّهی» رسید.(۲)

خداوند، یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله را چنین معرفی می کند:

«تَرَیهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَناً»(۳)

آنان را می بینی که در حال رکوع اند یا سجود، و امید به فضل خدا و خشنودی او دارند.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

سجده بسیار، گناهان را می ریزد، آنگونه که باد برگ درختان را.(۴)

۱۸- ذکر سُبْحانَ اللّه

راز نماز » ذکر سُبْحانَ اللّه

این ذکر مقدّس و پرمعنی که در تمام عبادت ها، نیایش ها، سجده ها و رکوع ها به چشم می خورد و به کار می رود، حقیقتی را در بردارد که ریشه در همه عقاید و تفکرات صحیح اسلامی دوانده است و زیر بنای ارتباط انسان با خدا و صفات کمال اوست.

توحید، بر اساس تسبیح خدا و منزّه دانستن او از شریک و شبیه است.

عدل بر مبنای تسبیح ومنزّه دانستن خدا از ستم و تبعیض و حق کشی است.

نبوّت و امامت نیز بر تسبیح استوار است. منزّه دانستن خداوند از اینکه بندگانش را بی حجت و راهنما رها کند و پیک هایی برای ابلاغ راه هدایت نفرستد.

معاد نیز بر این پایه است. منزّه دانستن خداوند از اینکه پاداش نیکی ها و کیفر بدی ها را به نحو کامل ندهد و زندگی بشر و آن همه مجاهدات رسولان الهی به بیهودگی و بی ثمری بیانجامد، چرا که زندگی بی معاد پوچ است و بی هدف. سبحان اللّه، که خدا کار بی هدف کند و فلسفه وجودی انسان را به محدوده موقّت دنیا محدود سازد!

عشق به خدا نیز با پایه تسبیح است. تا او را از هر عیب و نقصی دور و پاک ندانیم، چگونه می توانیم دل را خانه محبّت او سازیم؟

سجده انسان، سخت ترین و کمرشکن ترین حالت برای ابلیس است. مگر نه اینکه ابلیس، به خاطر تکبر و غرور، از سجده بر آدم امتناع کرد و رانده درگاه الهی و مطرود و ملعون ابدی شد؟

سجده بر خاک کربلا، ثواب نماز را بیشتر می کند. تربت پاک سیدالشهدا، مکتب آزادی و الهام بخش جهاد و شهادت است. سجده بر این تربت مقدّس، انسان را با فرهنگ عاشورایی کربلا آشنا و مأنوس می کند.

ص: ۳۵

۱- ۱۰۶) بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۳۰.

۲- ۱۰۷) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۲۹.

۳- ۱۰۸) فتح، آیه ۲۹.

۴- ۱۰۹) بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۲.

رضای انسان هم بر اساس تسبیح است. کسـی می تواند از خدا راضـی باشد که کارهای او را حکیمانه بداند و بر امر و دین او خورده نگیرد و آن را عیبناک نداند.

طاعت و بندگی نیز بر این پایه اسـتوار است. خضوع و خشوع، در برابر معبودی رواست که کمال و علم و قدرت و جاودانگی داشته باشد و این همه در مفهوم تسبیح نهفته است.

توکّل و تقوا هم بر تسبیـح خدا مبتنی است. تا خدا را تکیه گاهی مطمئن و مدبّری حکیم و آفریدگاری توانا که قدرت مطلقه هستی به دست اوست نـدانیم، چگونه می توانیم بر او توکّل کنیم و از او و حساب و عِقابش پروا داشته باشـیم؟! تقوا هم وقتی است که انسان، خدا را منزّه از غفلت و جهل و بی خبری و خواب بداند.

روح تعبّد و مغز عبادت، همان تسبیح است.

در میـان فرمان های عبادی که خـدا به پیامبر عزیزش داده، بیش از همه، دسـتور به تسبیـح است. شانزده مرتبه فرمانِ «سَبِّح» از سوی خدا، خطاب به پیامبر به اینکه: خدا را تسبیح بگوی، پیش از طلوع خورشید و قبل از غروب آن، در ساعات شب و اوقاتِ روز، در صبح و شام، و آنگاه که بر می خیزی ...(۱)

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که: هرگاه بنده ای بگوید «سبحان اللّه»، همه فرشتگان بر او درود می فرستند.(۲)

۱۹- قنوت

راز نماز » قنوت

دست حاجت چو بری، نزد خداوندی بر

که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود(۱۱۲)

قنوت، دست نیاز بر آستان الهی بلند کردن است و خواسته ها را بر شمردن، و این از مستحبات اکید در نماز است.

معنای قنوت، اطاعت و دعا و توجّه و خشوع در نماز است. در قنوت می توان هر دعایی را خوانـد. قنوت طولانی، نزد خداوند مطلوب است.

از رسول خدا صـلی الله علیه وآله روایت شده که: هر که در دنیا، صاحب قنوت های طولانی باشد، در روز دشوار قیامت و در پیشگاه عدل الهی، آسوده تر خواهد بود.(۱۱۳)

چه معامله پر برکتی! بی جهت نیست که اولیای خـدا، همواره ذکر بر لب دارنـد و عشق در دل، و زبان شان به نام و یاد خدای محبوب زمزمه گر است.

ما نیز همصدا با همه کاینات و فرشتگان، با توجّه و از اعماق جان، عاشقانه و عارفانه می گوییم: ... «سبحان اللّه»!

ص: ۳۶

۱- ۱۱۰) طه، آیه ۱۳۰غافر، آیه ۵۵؛ طور، آیه ۴۸.

۲- ۱۱۱) توحید صدوق، ص ۳۱۲.

بهترین نماز آنست که قنوت طولانی داشته باشد. آنان که به مقام خدا عارف ترند و در نمازشان، گفت و گویی عاشقانه با پروردگار دارند، دعاهای طولانی در قنوت نمازشان می خوانند، آن گونه اند که درباره برخی علما نقل شده است.

راز نماز » تشهّد

«اشهد ان لااله الاّ اللّه وحدَه لا شریک له و اَشهدُ انّ محمّداً عبدُه و رسولُه اللّهمّ صَلِّ عَلی محمّدٍ و آلِ محمّد»

در پایان هر دو رکعت، و در رکعت پایانی هر نماز، باید دو زانو نشست و یکتایی خدا و رسالت پیامبر را گواهی کرد و به این دو اصل اعتقادی شهادت داد. آنگاه بر رسول خدا صلوات و درود فرستاد. این تکرار شعارها و محتواهای اعتقادی، برای تداوم بخشیدن به این بینش و استوار ماندن در این راه است. تجدید بیعت با خدا و رسول است، اقرار و اعتراف به نبوّت نبی اکرم صلی الله علیه وآله است، شهادت دادن است، به این که

آن حضرت، «عبد» و «رسول» خداست. بنده است و پیامبر.

عبودیّت قبل از رسالت بیان شده، و این می رساند که بندگی برتر از رسالت است. و اساساً رسول خدا، چون بنده است، رسول شده و رسالتش ریشه در عبودیت او دارد.

پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت رسول، صلوات بر پیامبر و آل او از واجبات است و آنکه این تحیّت و درود را نفرستد، نمازش باطل است.

خداوند در قرآن کریم به مؤمنان فرمان می دهد که بر پیامبر صلوات و سلام بفرستید. از آن حضرت پرسیدند، چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود بگویید: «اللّهُمَّ صَلّ علی محمّدٍ وَ علی آل محمّد ...» این کیفیتِ صلوات در کتب مهم اهل سنّت نیز آمده است.(۱۱۴)

ذکر صلوات بر پیامبر وخاندانش، پس از ذکر شهادتین که رمز اسلام است: بیانگر نبودن جدایی میان پیامبرصلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام است.

طبق احادیثی که از پیامبر نقل شده، صلوات های ما به آن حضرت می رسد و این صلوات ها در قیامت، نوری می شود که راه انسان را روشن می کند.(۱۱۵)

پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده است: هر که هنگام شنیدن نام من بر من صلوات نفرستد، بخیل است.(۱۱۶)

صلوات، سبب استجابت دعا و رضای الهی می شود و کارهای مؤمن را پاک می سازد.(۱۱۷)

سـلام ما به رسول خدا، نشانه ادب و احترام و حق گزاری ماست. سـلام به معنای سلامتی، خیر، برکت وامنیّت است و یکی از نام های خداوند در قرآن است: «السّلامُ المُؤمنُ»(۱)

بهترین سلام، آن است که همراه با رحمت و برکت از سوی خدا باشد. و در نماز، سلام ما به پیامبر چنین است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ»

سـلام ما به پیامبر به پاس رنـج و زحماتی است که بر خود هموار کرد، پاسداری از رسالتی است که به انجام رساند، و گرامی داشتن پیوندی است که میان خدا و ما برقرار کرد.

«السّلام علینا و علی عباد اللّه الصّالحین السّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته»

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا. سلام بر همه شما خوبان عالم، فرشتگان جهان بالا و مؤمنان راستین.

سلام، تحیّت بهشتیان است.(۲) خدا نیز به آنان سلام می دهد: «سَلَمٌ قَوْلاً مِّن رَّبٍّ رَّحِیمٍ»(۳)

و فرشتگان نیز به رستگاران در قیامت سلام می دهند:

«سَلَمٌ عَلَیْکُم بِمَا صَبَرْتُمْ»(۴)

۲۰- تعقیبات نماز

راز نماز » تعقیبات نماز

نماز که پایان یافت، باید نشست و دعا خواند و ذکر گفت و خدا را ستایش کرد و از او حاجت خواست و حالت معنوی نماز و صورت زیبای عبادت و بندگی را، تا مدتی پس از اتمام نماز، نگه داشت. استمرار بخشیدن به حالت نماز و خواندن دعاهای مستحب، «تعقیب» نماز است.

تعقیبات، نوعی بدرقه نماز است. همانگونه که اذان و اقامه نوعی استقبال از نماز است.

مهمانی حق میزبان را ادا می کند که قبل از طعام وپس از آن نیز با صاحبخانه، گفت و گو و احوالپرسـی و حضور در محضـر داشـته باشد. و گرنه آنکه خود را به سر سفره برساند و همین که خورد، فوراًو بی خداحافظی و بی تشکّر، برخاسته و میزبان را ترک کند، بی ادبی کرده است.

با این سـلام که نمازگزار به مؤمنان و بندگان صالح می دهد، خود را در جمع شایسـتگان می بیند و احساس تنهایی نمی کند و به دریای پاکی و لیاقت وارستگان متصّل می شود.

با سلام، نماز پایان می پذیرد. و وقت رسمی این دیدار معنوی تمام می شود.

ولی ... آیا باید با فراغت از نماز، فوراًبرخاست و رفت؟

۱- ۱۱۸) حشر، آیه ۲۲.

۲- ۱۱۹) ابراهیم، آیه ۲۳.

۳- ۱۲۰) یس، آیه ۵۸.

۴- ۱۲۱) رعد، آیه ۲۴.

نماز، فریضه ای الهی است. ولی پیش از نماز، در مسجد و مصلّا به انتظار آن نشستن، اذان و اقامه گفتن، ذکرها و دعاهای مستحب پیش از نماز را خواندن، به استقبال نماز رفتن است. و تعقیبات هم، بدرقه آن محسوب می شود. بی اعتنایی به تعقیبات، بی علاقگی به نماز را می رساند.

در قرآن می خوانیم: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَی رَبِّکَ فَارْغَب»(۱۲۲) چون از کاری فارغ شدی، به کار دیگری خود را مشغول کن، و به سوی پروردگارت رغبت نما.

پس از پایانِ فریضه و نیایِش واجب، دعا و مناجات مستحب آغاز می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: همین که از نماز واجب فارغ شدی، به دعا و تعقیب نماز مشغول شو. دعای بعد از نمازِ صبح و ظهر و مغرب، مستجاب می شود.(۱۲۳)

دعاهای و تعقیب های مشترک و مخصوص هر نماز، در کتاب های دعا آمده است.

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

از بهترین تعقیبات نماز، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام است. این ذکر عالی را رسول خدا صلی الله علیه وآله به دختر گرامی اش آموخت:

۳۴ مرتبه «اللّه اکبر»، ۳۳ مرتبه «الحمدللّه» و ۳۳ مرتبه «سبحان اللّه». این صد بار ستایش خدا به بزرگی و شکر نعمت هایش و تنزیه و تقدیسش، به فرموده امام صادق علیه السلام از هزار رکعت نماز مستحب، نزد خدا برتر است.(۱۲۴)

این تسبیحات در کتب اهل سنّت نیز آمده است.(۱۲۵)

امام باقر علیه السلام فرموده است: در میان ستایش ها، بهتر از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام نیست، و اگر می بود، رسول خدا به فاطمه علیها السلام تعلیم می داد.(۱۲۶)

همان گونه که در روایات، سجده بر تربت سید الشهدا مورد تأکید قرار گرفته است، داشتن تسبیح ۳۴ دانه ای از خاک مزار امام حسین علیه السلام نیز ثواب بسیار دارد، و حتّی گرداندن آن بدون ذکر هم با ارزش است.(۱۲۷) زیرا الهام بخش فرهنگ جهاد و شهادت و قیام برای خداوند است.

آنچه لازم است، تأنّی، تأمّل وتوجّه در این تسبیحات است.

تنها نباید چرخش سریع زبان و کلماتی تند و نامفهوم باشد. این تسبیحات، هر چه با وقار و با توجّه به معنای این سه ذکر مهمّ باشد، نزد خدا با ارزش تر و برای انسان سازنده تر است.

سجده شکر

سجده شکر نیز یکی از تعقیبات نماز است.

به شکرانه نعمت های بی پایان و بی شمار خداوند، پس از نماز، سر بر خاک نهادن و نعمت های او را به یاد آوردن، و شکر گفتن و حمد کردن، اعمالی است که هم محبّت خدا را در دل انسان می افزاید و هم انسان را نزد خدا محبوب و مقرّب می سازد و هم سبب افزایش نعمت ها می شود.

در روایات بسیاری روی این سجده، سفارش شده است.(۱) حتّی اگر چیزی هم نگوییم، به شکرانه نعمت ها و سپاس از توفیق طاعت و بندگی، پیشانی و صورت بر زمین نهادن و حالت سپاس گرفتن، شکر است. ولی بهتر است ذکرهایی چون شُکْراًلِلّه، یا حَمْداًلِلّه و ... گفته شود.

در حدیث آمده است اگر انسان به طول یک نفس کشیدن مرتب بگوید: یا ربّ، یا ربّ ... خداوند خطاب می کند:لَبَّیْکَ، ماحاجَتُکَ؟ حاجتت چیست تا برآورم؟(۲)

به تعبیر امام صادق علیه السلام سجده شکر بعد از نماز، دلیل کامل شدن نماز و خشنودی خدا و خوشامدن و اعجاب فرشتگان است. خداوند از آنان می پرسد: پاداش این بنده شاکر چیست؟ می گویند: رحمت تو، بهشت تو، حلّ مشکل او، ... خداوند می فرماید: همانگونه که او از من تشکّر کرد، من هم از او سپاسگزارم. این جمله می فهماند که رضایت و سپاس الهی از همه نعمت ها برتر است.(۳)

۲۱- نماز جماعت

راز نماز » نماز جماعت

از نکات اساسی مربوط به نماز، برپایی آن به صورت جماعت است. نماز جماعت پاداش بسیار، برکات فراوان و فواید فردی آثار اجتماعی بسیار دارد.

شکوه مسلمانان و موحّدان را می رساند. ذوب شدن «فرد» در «جمع» در یک عبادت توحیدی است. مقدمه وحدت و عامل تقویت روح برادری است.

نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و مشکلات و نیازهای آنان است. نماز جماعت، بهترین و بیشترین و پاک ترین و کم خرج ترین اجتماعات دنیاست. خار چشم دشمنان اسلام است. عامل نظم، وحدت صفوف، وقت شناسی و مبارزه با فردگرایی و خودخواهی است. موجب شسته شدن کینه ها و کدورت ها و پیدایش روحیه اخوّت دینی است. مستحب است انسان صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند. نماز به جماعت، از نماز اوّل وقتِ فُرادی با

فضلیت تر است و پاداش جماعت، هر چند مختصر و کوتاه برگزار شود، از نماز فُرادی که طولانی بخوانند بیشتر است.(۱۳۱)

در حدیث آمده است: هرگاه عدد نمازگزاران در جماعت، از ده نفر بیشتر شود، پاداشی نصیب نمازگزاران می شود که قابل بیان و شماره نیست.

۱- ۱۲۸) در جلد ۸۳ بحارالانوار، ۶۳ حدیث از پیشوایان معصوم درباره سجده شکر، نقل شده است.

۲- ۱۲۹) بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۰۵.

۳- ۱۳۰) وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۷۱.

در نماز جماعت، باید فردی عادل و متّقی و شایسته، امام جماعت شود و دیگران به او اقتدا کنند.

این شـرط، هم ملاـک بودن تقوا و عـدالت را بیان می کنـد و هم تبعیت از پیشـگامان در صـلاح و پاکی را می آموزد. تحقیر نماز جماعت، تحقیر خداست و تعظیم آن، بزرگداشت فرمان پروردگار است.

آنکه برای شرکت در نماز جماعت، از خانه بیرون می رود، یا در مسجد به انتظار برپایی نماز جماعت به سر می برد، در طول این مدّت پاداش پرداختن به نماز را می گیرد.(۱)

در نمـاز جمـاعت، جمعیّت هر چه بیشتر باشـد، ثوابش افزون تر است. در حـدیث آمـده است: هر که نماز جماعت را دوسـت بدارد، خدا هم او را دوست می دارد.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: صف های جماعت، همچون صفوف فرشتگان در آسمان چهارم است.(۳)

۲۲- عدالت پیشنماز

راز نماز » عدالت پیشنماز

چون نمـاز، نشـانه ای از یـک تجمع دینی و اقتـدا به یـک «پیشوا» است، پس بایـد خوب ترین انسـان هـا و پاک ترین افراد، به امامت جماعت بپردازند. امام جماعت باید کسی باشد که به دیانت و تعهدش ایمان داشته باشیم.

افراد گنهکار و سفیه، نمی توانند پیشنماز شوند.

در حدیث آمده است: «فَقَدِّمُوا اَفْضَلَکُم»(۱۳۵) برترین های تان را پیشنماز کنید. امام باقر علیه السلام فرمود: امام جماعت باید از افراد اندیشمند و صاحب فکر باشد.(۱۳۶)

وقتی صـفت عـدالت وپاکی تعهّد، از شـرایط امام جماعت باشد، روشن است که جامعه و جمع اقتدا کننده را نیز در این مسـیر حرکت می دهد و ملاک های تقدّم در کارها و مسئولیت ها، همین ها می شود.

عدالت، یک حالت درونی است که انسان را از ارتکاب گناهان کبیره، یا تکرار و اصرار بر گناهان صغیره باز دارد.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: عادل کیست؟ فرمود: آن که چشمش را از نامحرم بپوشاند، زبانش را از گناه، و دستش را زا ستم نگاه دارد.(۱۳۷)

و رسول خدا فرموده است: کسی که با مردم در معامله و داد و ستد، ستم نکند و در گفت و گوها دروغ نگوید و در وعده ها تخلّف نکند، او با مروّت و عدالت است.(۱۳۸)

پس سعی کنیم نمازهایمان را به جماعت بخوانیم و از برکات تجمّع های دینی و عبادی غافل نشویم.

۱- ۱۳۲) کنزالعمال، ج ۸، حدیث ۲۲۸۱۸.

۲- ۱۳۳) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۸۸.

۳- ۱۳۴) مستدرک، ج ۱، ص ۴۸۸.

سنگر دشمن شکن و وحدت بخش «مساجد» را خالی نگذاریم و با بهانه های مختلف، خود را از فیض جماعت، محروم نسازیم.

ص: ۴۲

دشمنان اسلام، که همواره در صدد تفرقه و تضعیف مسلمانان اند، از برگزاری مراسم نماز جمعه ناراحت می شوند و تلاش در شکستن این سدّ استوار ایمانی دارند.

امام خمینی قدس سره می فرمود: نمازهای جمعه را با شکوه بجا بیاورید، و نمازهای غیر جمعه را هم، که شیطان ها از نماز می ترسند، از مسجد می ترسند ...(۱)

۲۳- نماز باران

راز نماز » نماز باران

یکی از نمازهای مستحب، «نماز باران» است. این نماز با شرایطی که گفته می شود برگزار می گردد و در آن مردم از خداوند باران می طلبند تا خشکسالی وقحطی برطرف شود وبرای زراعت ها باران ببارد. به این نماز، نماز «استسقا» هم گفته می شود.

در این باره، به کلام امام خمینی قدس سره در «تحریر الوسیله» استناد می کنیم:

«نماز باران مستحب است، آنگاه که آب نهرها کاهش یابد و باران نیاید. سبب نیامدن باران به خاطر گسترش گناهان، ناسپاسی نعمت ها، نپرداختن حق مردم، کم فروشی، ظلم، نیرنگ، ترک امر به معروف و نهی از منکر، نپرداختن زکات و حکومت و قضاوت بر خلاف حکم خدا و ... است که موجب خشم پروردگار و نیامدن باران می شود».(۱۴۳)

نماز باران، مثل نماز عید فطر و قربان، دو رکعت است که گروهی خوانده می شود. در هر رکعت یک حمد و یک سوره، و در رکعت اوّل پنج تکبیر دارد و در رکعت دوّم چهار تکبیر. پس از هر تکبیر در هر رکعت، یک قنوت است. بهتر است در قنوت دعایی خوانده شود که طلب باران در آن است.

آداب این نماز از جمله عبارت اند از:

* بلند خواندن حمد و سوره.

* سه روز رزوه گرفتن به نحوی که روز سوم، دوشنبه یا جمعه باشد.

* بیرون رفتن امام جماعت همراه با نمازگزاران به صحرا در نهایت وقار و آرامش و خشوع و حالت نیاز، و انتخاب جایی تمیز برای نماز، و داشتن حالتی نیازمندانه و ترحّم انگیز، مثلاً پابرهنه بودن.

* منبر را با خود به صحرا ببرند، مؤذّن ها همراه مردم باشند، پیران و کودکان و چهار پایان را هم با خود ببرند، و بچّه ها را از مادران شان جدا سازند تا گریه ها ضجه ها زیاد شود و سبب نزول رحمت گردد.

* پیشنماز، پس از نماز، ردای خود را دگرگون سازد، یعنی قسمت راست را به سمت چپ و سمت چپ را به راست بگرداند

و با صـدای بلنـد صـد مرتبه تکبیر به طرف راست و صـد بار تسبیـح به سـمت چپ بگوید و صد بار حمد و شـکر خدا بگوید. مردم هم همصدا با او ذکر بگویند، و آنگاه دعا کند. مردم هم دعا کنند و آمین بگویند و بسیار تضرّع و ناله نمایند.

۱- ۱۴۲) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

* بهتر است در دعاها از آنچه از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده استفاده شود.(۱) از جمله:

دعای ۱۹ صحیفه سجادیه و دعای حضرت علی علیه السلام در مورد نماز باران.(۲)

از میان نمازهای معروفِ باران، نمازی است که مرحوم آیت اللّه سید محمد تقی خوانساری در دوره حضور انگلیسی ها در قم برگزار کرد و سبب نزول باران شد و خارجی ها به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند.

آنچه رحمت الهی را جلب می کند، شکسته دلی و خضوع و خلوص و توبه مردم و توجّه آنان به سوی پروردگار است. گاهی ممکن است خداوند از روی ترحّم به حیوانات نیز باران رحمتش را بر همه، از جمله آدمیان نازل کند.

در حدیث آمده است:

حضرت سلیمان علیه السلام با اصحاب خویش برای نماز باران می رفتند. حضرت مورچه ای را دید که سر به سوی آسمان بلند کرده و عرض می کند:

خدایا! ما آفریده ای از آفریدگاران توئیم که از روزی تو بی نیاز نیستم. ما را به خاطر گناهان بنی آدم، نابود مکن. حضرت سلیمان به همراهانش فرمود: برگردید! با دعای دیگری غیر از شما، سیراب شدید!(۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیروان فرعون روزی پیش او آمدند و گفتند: آب نیل خشک شده و هلاک خواهیم شد. گفت: امروز برگردید. شب، خودش به میان رود نیل رفت و دست به دعا برداشت و گفت: خدایا! می دانم که جز تو کسی قدرت ندارد برای ما آب بیاورد، پس ما را آب برسان. صبح، آب دوباره جاری شد.(۴)

۲۴- نماز عید

راز نماز » نماز عید

از نمازهای مستحب دیگر، نماز عید فطر و عید قربان است که دو رکعت است با ۹ تکبیر و قنوت (پنج تکبیر در رکعت اول و چهار تکبیر در رکعت دوّم پیش از رکوع، و خواندن دعا پس از هر تکبیر در قنوت).

نماز عید فطر که در روز اول ماه شوال پس از یک ماه روزه رمضان برگزار می شود شکرانه توفیق الهی است برای ادای آن فریضه و پاداشی برای مؤمنان روزه دار.

امام باقر علیه السلام به جابر فرمود:

۱- ۱۴۴) تحریرالوسیله، امام خمینی، «صلوهالاستسقا»، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲- ۱۴۵) مستدرک نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۶۸.

۳- ۱۴۶) من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۴.

۴- ۱۴۷) من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۶.

در روز اوّل شوال، منادی آسمانی ندا می دهد: ای مؤمنان، بشتابید به سوی جایزه های تان. ای جابر! جایزه های الهی مثل جوایز این سلاطین نیست.(۱)

عید فطر، از اعیاد بزرگ اسلامی است و خواندن نماز در آن روز، تقویت پیوند انسان با خدای خویش است و به عید هم رنگ و جلای الهی می دهد.

امام رضا علیه السلام فرمود:

روز عید فطر برای آن جهت قرار داده شده که مسلمانان گرد هم آیند و به بزرگداشت خداوند و نعمت هایش بپردازند. روز عید است و اجتماع، روز زکات است. روز توجّه به آفریدگار و نالیدن به درگاه او.(۲)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

ای مردم! عید فطر، روزی است که نیکوکاران پاداش می گیرند و بدکاران زیان می کنند، شبیه ترین روزها به قیامت است. با بیرون آمدن تان از خانه ها به مصلّی، برانگیخته شدن از قبر به صحرای محشر را به یاد آورید. و با ایستادن در مصلا، به یاد وقوف در عرصه قیامت در پیشگاه خدا بیفتید و با بازگشت به خانه های تان، بازگشت به منازل خود در بهشت و جهنم را به یاد آورید.(۳)

۲۵- نمازهای نافله

راز نماز » نمازهای نافله

عشق به پرستش و بندگی، انسان را وا می دارد که بیش از حدِّ مقرر نیز به اطاعت و نیایش بپردازد. این با نمازهای مستحب جلوه گر می شود.

حضور در جمع انبوه نمازگزاران عید فطر و قربان، پیوستن به دریای بیکران ملّت است و نیایش جمعی به درگاه خداوند که بیشتر و سریع تر، لطف خود را شامل حال نمازگزاران روزه دار می کند که یک ماه رمضان، در اطاعتِ امر او بوده اند.

حالت خاصی که در روز عید و هنگام نماز به مسلمانان دست می دهد، غیر از روحیه تعبّد و خشوع و شکسته دلی و گرایش به توجّه و معنویات، روح اخوّت و صمیمیت را میان آنان زنده تر می سازد و پیوندها را تقویت می کند.

در قنوت نماز عید، دعای «اللّهم اَهْلَ الْکِبْریاءِ وَالْعَظَمَهِ ...» خوانده می شود، که ضمن ستایش خدا به صفاتی همچون عظمت و جلالت، آمرزندگی و بخشش و رحمت، خداوند را به مقام پیامبر و دودمان پاکش سوگند می دهیم و بهترین خواسته های صالحان را از خدا می خواهیم و از همه بدی ها و شرور به او پناه می بریم.

سجده های شکر و سجده های همراه با «اَلْعَفو، اَلْعَفو» اوج این عبودیت و خشوع و بندگی است.

۱- ۱۴۸) وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۰، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲- ۱۴۹) وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۱، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۲.

۳- ۱۵۰) وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۱.

چگونه انسان می تواند عاشق خدا باشد و تنها به همان واجبات اکتفا کند و بیش از آن، نمازی نخواند؟ این نمازها که به «نافله» معروف اند، فراوان است. از جمله نافله های روزانه است به این صورت:

نافله، نماز صبح، دو رکعت، پیش از نماز صبح.

نافله، نماز ظهر، هشت رکعت، پیش از نماز ظهر.

نافله، نماز عصر، هشت رکعت، پیش از نماز عصر.

نافله، نماز مغرب، چهار رکعت، بعد از نماز مغرب.

نافله، نماز عشا، دو رکعت نشسته، پس از نماز عشا.

نافله شب (نماز شب) یازده رکعت، پیش از اذان صبح که هشت رکعت آن، نافله شب نام دارد و دو رکعتش به نام نماز شَفع و یک رکعت هم به نام نماز وَتر مشهور است.

نافله از کلمه «نَفْل» است، یعنی زیادی واضافه بر مقدار واجب است.

بر پیامبر اسلام، نافله شب واجب بود و خدا دستور داده بود که شب برخیزد و به تهجّد و عبادت نیمه شب بپردازد تا به مقام والا برسد.(۱۵۱)

در حدیث آمده است:

نمازهای مستحب، همچون هدیه ای به درگاه خداوند است که به هر حال قبول می شود.(۱۵۲)

درباره نوافل، حدیث های بسیاری در کتب روایت آمده که اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.(۱۵۳)

نمازهای مستحب، جبران کننده نواقص نمازهای واجب است و همچون صدقه ای است که انسان، آن را می پردازد. به خصوص نماز شب، راز ارتباط عاشقانه میان بنده و خدای اوست که هر سحر از بستر خواب برخیزد و خواب و کسالت را کنار بگذارد و به مناجات در دل شب بپردازد و دور از چشم های خواب رفته، با خدای خود به راز و نیاز و اشک و عبادت و شکر و سجود و قنوت بپردازد.

اولیای الهی، اهل تهجّد و شب زنده داری و نمازهای مستحب، با قنوت های مفصّل و سجده های طولانی و اشک های ریزان و دیده های گریان بوده اند.

علمای بزرگ، عارفان وارسته و دوستان خدا، از «نماز شب» غفلت نکرده و نمی کنند.(۱۵۴)

در روایتی آمده است که خداوند می فرماید:

«كَذِبَ مَنْ زَعَمَ اَنَّهُ يُحِبُّنى، فَاِذا جَنَّهُ اللّيلُ نامَ عَنّى. اَلَيْسَ كُلَّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلْوَهَ حَبيبِهِ؟»(۱۵۵)

ص: ۴۶

دروغ می گوید آنکه می پندارد مرا دوست دارد، امّا چون شب فرا می رسد، به خواب می رود و به یاد من نیست. مگر نه این است که هر دوستداری، خلوت و نجوای با دوستش را دوست می دارد؟ ...

در دل شب خیز و ریز قطره اشکی ز چشم

که دوست دارم کنـد گریه گنهکـار ما انسان با نافله می توانـد چنان به خـدا نزدیک شود و الهی گردد که جز حق نبینـد و جز حق نشنود و به آنجا برسد که هر دعایی بکند مستجاب شود.(۱۵۶)

خدایا! ما را در «بندگی» خودت ثابت و استوار بدار.

عشق خود و شوق عبادتت را در دل مان افروخته تر بگردان.

عمر و فکر و استعداد و توان جسمی و قوای روحی ما را، خالصانه در راه اطاعت خود بدار.

خداوندا! ما را از «بر پادارندگان نماز» قرار بده.

انّک سمیعٌ مجیب

صبح جمعه ۲۱ / ۷ / ۶۸

۱۵۶) ثواب الاعمال، ص ۸۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹